



پنجشنبه چهاردهم شهریورماه ۱۳۹۸

سال هفتاد و پنجم شماره ۲۱۶۹۳

روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

شامل: قوانین - مذاکرات مجلس شورای اسلامی - رویه‌های قضائی - عهدنامه‌ها - آئیننامه‌ها

WWW.RRK.IR
WWW.DASTOUR.IR

تصویب‌نامه‌ها - تصمیم‌نامه‌ها - اساسنامه‌ها و آگهیها

تک شماره ۱۵۰۰ تومان

صفحه	دستگاه اجراءکننده	تاریخ تصویب	عنوان مندرجات (قوانین و مقررات و مصوبات آراء وحدت رویه)
۱	سازمان صنعت، معدن و تجارت استان کهگیلویه و بویراحمد	۱۳۹۸/۳/۲۸	رای شماره ۵۷۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بند ۹ مصوبه مورخ ۱۳۹۶/۵/۴ کمیسیون نظارت بر سازمانهای صنفی گچساران مصوب سازمان صنعت، معدن و تجارت استان کهگیلویه و بویراحمد
۲	دانشگاه شهید بهشتی	۱۳۹۸/۳/۲۸	رای شماره ۵۸۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال تبصره ۱ ماده ۱۲ آیین‌نامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته دانشجویان ورودی سال ۱۳۹۷ و مابعد مصوب شورای آموزشی دانشگاه شهید بهشتی مورخ ۱۳۹۷/۵/۳۰
۳	شورای اسلامی شهر اسلامشهر	۱۳۹۸/۳/۲۸	رای شماره ۵۸۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال ردیف‌های ۱۱، ۱۲ و ۱۵ از تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۳ شورای اسلامی شهر اسلامشهر
۶	سازمان امور مالیاتی کشور	۱۳۹۸/۴/۱۱	رای شماره ۵۹۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال قسمتی از بند ۲ بخشنامه شماره ۱۳۸۳/۱۱/۷ - ۲۱۱/۴۳۸۵/۱۹۴۱۸ رییس کل سازمان امور مالیاتی کشور
۷	شورای اسلامی شهر همدان	۱۳۹۸/۴/۱۱	رای شماره ۵۹۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال ماده ۶۳ دفترچه تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۵ شورای اسلامی شهر همدان
۱۰	شعب دیوان عدالت و سایر مراجع اداری	۱۳۹۸/۴/۱۱	رای شماره ۶۰۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
۱۱	شعب دیوان عدالت و سایر مراجع اداری	۱۳۹۸/۴/۱۱	رای شماره ۶۶۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
۱۳	شعب دیوان عدالت و سایر مراجع اداری	۱۳۹۸/۴/۱۸	رای شماره ۷۹۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: تعلق مستمری ورثه اناث متوفی از تاریخ فوت مورث است
۱۵	شعب دیوان عدالت و سایر مراجع اداری	۱۳۹۸/۴/۲۵	رای شماره ۷۹۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: کمیسیونهای پزشکی واجد صلاحیت برای تعیین تاریخ ابتلاء به بیماری می‌باشند
۱۷	شورای اسلامی شهر شاهین‌شهر	۱۳۹۸/۴/۲۵	رای شماره ۷۹۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال تعرفه شماره‌های ۶۰۱ - ۱۳۹۵، ۶۰۲ - ۱۳۹۵ و ۶۰۳ - ۱۳۹۵ از تعرفه عوارض سال ۱۳۹۵ شورای اسلامی شهر شاهین‌شهر

کمیسیون نظارت بر سازمانهای صنفی گچساران مصوب سازمان صنعت، معدن و تجارت استان کهگیلویه و بویراحمد جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد. مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

قوانین و مقررات عمومی

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۳/۲۸ شماره دادنامه: ۵۷۹ شماره پرونده: ۸۳۰/۹۷
مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
شاکي: آقای داریوش فولادی وندا
موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ۹ مصوبه مورخ ۱۳۹۶/۵/۴ کمیسیون نظارت بر سازمانهای صنفی گچساران مصوب سازمان صنعت، معدن و تجارت استان کهگیلویه و بویراحمد

۱۳۹۸/۴/۱۶

شماره ۹۷۰۰۸۳۰

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه

۱۳۹۶/۵/۴ با موضوع: «ابطال بند ۹ مصوبه مورخ ۱۳۹۸/۳/۲۸»

بنا علیهذا تقاضای رد خواسته و ابرام مصوبه کمیسیون نظارت بر سازمانهای صنفی شهرستان گچساران مورد استدعاست.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۳/۲۸ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

مطابق بند ب ماده ۴۸ قانون نظام صنفی، کمیسیون نظارت بر شهرستانهای غیر از مرکز استان مرکب است از رؤسا یا معاونان ذی ربط ادارات و نهادهای موجود، صنعت، معدن و تجارت، امور مالیاتی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، تعزیرات حکومتی، نیروی انتظامی، انجمن حمایت از مصرف کنندگان شهرستان، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و کشاورزی شهرستان، اتاق تعاون شهرستان، بسیج اصناف، رئیس و نایب رئیس اتاق اصناف شهرستان و رئیس شورای اسلامی شهرستان و بر اساس تبصره ۱ ماده ۴۸ قانون مذکور مقرر شده جلسات کمیسیون نظارت بر شهرستانهای هر استان با حضور حداقل هفت نفر از اعضاء رسمیت می یابد و تصمیمات با اکثریت مطلق آرای حاضران معتبر خواهد بود. نظر به اینکه بر اساس صورتجلسه مورخ ۱۳۹۶/۵/۴ کمیسیون نظارت بر سازمانهای صنفی شهرستان گچساران از هفت عضو شرکت کننده در جلسه این کمیسیون، برخی از افراد به عنوان نماینده دستگاه مربوطه شرکت کرده و از رؤسا و معاونین ذی ربط ادارات و نهادهای مقرر در بند (ب) ماده ۴۸ قانون یاد شده نبوده اند، بنابراین حد نصاب مقرر در تبصره ۱ ماده ۴۸ قانون مذکور برای تشکیل جلسه کمیسیون نظارت شهرستان رعایت نشده است، به همین دلیل مصوبه مذکور به علت عدم تشکیل جلسه به نحو مقرر در قانون، اعتبار قانونی ندارد و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال بند ۹ مصوبه مورخ ۱۳۹۶/۵/۴ کمیسیون نظارت بر سازمانهای صنفی گچساران مصوب سازمان صنعت، معدن و تجارت استان کهگیلویه و بویراحمد را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که: «احتراماً با توجه به اینکه منابع درآمد مالی اتحادیه های صنفی بر اساس تبصره ۱ ماده ۳۱ قانون نظام صنفی و بر اساس آیین نامه مربوط که به تاریخ ۱۳۹۳/۱۰/۱۲ مشتمل بر ۱۷ ماده و ۱۲ تبصره به تصویب هیأت مالی نظارت رسیده و منابع مالی اتاق اصناف نیز بر اساس ماده ۳۷ قانون نظام صنفی و آیین نامه مربوط که مشتمل بر ۲۹ ماده در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۰ به تصویب هیأت عالی نظارت رسیده است می باشد. کمیسیون نظارت شهرستان گچساران علاوه بر مبالغ قید شده در دو آیین نامه مربوط مبلغ ۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال نیز تصویب نموده اند که هر متقاضی پروانه کسب به حساب اتاق اصناف واریز نمایند که در قانون و آیین نامه های مربوطه قید نشده و غیرقانونی می باشد که نمونه فیش تحویل به متقاضیان به پیوست می باشد. ضمناً اتاق اصناف هیچ گونه خدمات غیرموظف نیز انجام نمی دهند فقط پروانه کسبهای صادره از سوی اتحادیه را در سایت ثبت می نماید که مبلغ ۳۵۰/۰۰۰ ریال وجه نقد دستی از متقاضیان دریافت می نماید. ضمناً جلسه کمیسیون تاریخ فوق الذکر اصلاً رسمیت نداشته است. لذا تقاضای دستور موقت از آن دیوان دارم که از اجرای آن فوراً جلوگیری شود.»

متن مصوبه در قسمت مورد اعتراض به قرار زیر است:

۹	نام شماره ۵۳۶ - ۱۳۹۶/۵/۳ اتاق اصناف شهرستان گچساران در خصوص مشکلات مربوط به تأمین هزینه های مربوطه مطرح با پیشنهاد افزایش سهم اتاق اصناف بابت پروانه کسبهای صادره توسط اتحادیه ها از ۹۰۰/۰۰۰ ریال به ۱/۵۰۰/۰۰۰ ریال موافقت گردید	در طول سال	هیأت رئیس اتاق اصناف شهرستان گچساران
---	--	------------	--------------------------------------

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان کهگیلویه و بویراحمد به موجب لایحه شماره ۱۳۹۷/۵/۱۷ - ۱۳۴/۳۶۶۸۹۵ توضیح داده است که:

«مدیر محترم دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

موضوع: جوابیه دادخواست آقای داریوش فولادی و ندا

با سلام و صلوات بر محمد و آل محمد (ص)

احتراماً در پاسخ به دادخواست آقای داریوش فولادی و ندا تحت کلاسه پرونده ۹۷۰۰۸۳۰ با شماره بایگانی ۷۶۲۱۴ با خواسته ابطال مصوبه ۱۳۹۶/۵/۴ کمیسیون نظارت بر سازمانهای صنفی شهرستان گچساران اشعار می دارد:

۱- تصمیم کمیسیون نظارت بر سازمانهای صنفی شهرستان گچساران دایر بر تصویب وصول مبلغ ۱/۵۰۰/۰۰۰ در راستای اختیارات ناشی از بند ۳ ماده ۱ آیین نامه اجرایی موضوع میزان نحوه دریافت منابع مالی اتاق اصناف شهرستانها بوده که آیین نامه مذکور مقرر نموده خدمات آموزشی تحت عنوان خدمات غیر موظف به متقاضیان اعم از افراد حقیقی و حقوقی ارائه گردد که شرح خدمات قابل ارائه و قراردادهای منعقد به ضمیمه نامه شماره ۵۳۶ - ۱۳۹۶/۵/۳ در جلسه موصوف مطرح و با اکثریت آراء مصوب گردیده و منافاتی با شرح وظایف و اختیارات کمیسیون نظارت ندارد.

۲- بنا به تقاضای متعدد مراجعین و متقاضیان جهت انجام خدمات ثبت شناسه ملت کارت واحدهای صنفی، ثبت نام در سامانه اصناف و تهیه تصویر از مدارک و پرینت آنها و به لحاظ جلوگیری از ایاب و ذهاب و مراجعه مجدد و تکریم ارباب رجوع خدمات مذکور با پرداخت هزینه ۳۵۰/۰۰۰ ریال انجام می گردد. اولاً انجام این خدمت مربوط به متقاضیان و بنا به خواست آنها بوده و منبع درآمدی برای اتاق اصناف نمی باشد. ثانیاً: واحد عرضه کننده این خدمات فاقد رابطه مالی با اتاق اصناف بوده و علی الاصول اطلاق اخذ وجه مورد ادعا به اتاق اصناف و یا انتفاع اتاق از آن فاقد موضوعیت می باشد.

۳- خواسته عدم رسمیت جلسه مذکور نیز فاقد استناد و محمل قانونی باشد چنانچه مستحضری حد نصاب تشکیل جلسات کمیسیون نظارت و قانونی بودن تصمیمات متخذه موضوع ماده ۴۸ و ۴۹ قانون نظام صنفی در شهرستانها هفت نفر می باشد که نصاب اعضای حاضر در جلسه برای رسمیت و نافذ بودن مصوبات جلسه رعایت گردیده و افراد دارای سمت در جلسه عبارتند از ردیف ۱- خلیفه حسنی با سمت نماینده فرمانداری ۲- رضا شریفی با سمت رئیس اداره صنعت، معدن و تجارت شهرستان گچساران و رئیس کمیسیون ۳- حمید بخشایی با سمت نماینده شورای اسلامی شهر گچساران ۴- طهماسب کرمی پور با سمت مدیر امور مالیاتی ۵- سیدمحسن کاظمی با سمت نماینده نیروی انتظامی (اداره اماکن عمومی) ۶- حمید فولادی و ندا با سمت نماینده شبکه بهداشت و درمان شهرستان ۷- حبیب گرچی زاده با سمت نماینده انجمن حمایت از حقوق مصرف کننده شهرستان گچساران بنابراین عدم رسمیت جلسه با لحاظ ترکیب و سمت اعضاء موضوعیت ندارد.

شماره ۹۷۰۲۸۸۵ ۱۳۹۸/۴/۱۶

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۵۸۰ مورخ ۱۳۹۸/۳/۲۸ با موضوع: «ابطال تبصره ۱ ماده ۱۲ آیین نامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته دانشجویان ورودی سال ۱۳۹۷ و مابعد مصوب شورای آموزشی دانشگاه شهید بهشتی مورخ ۱۳۹۷/۵/۳۰ جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۳/۲۸ شماره دادنامه: ۵۸۰ شماره پرونده: ۲۸۸۵/۹۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای مزدک نصوری

موضوع شکایت و خواسته: ابطال تبصره ۱ ماده ۱۲ آیین نامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته دانشجویان ورودی سال ۱۳۹۷ و مابعد مصوب شورای آموزشی دانشگاه شهید بهشتی مورخ ۱۳۹۷/۵/۳۰

گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال تبصره ۱ ماده ۱۲ آیین نامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته دانشجویان ورودی سال ۱۳۹۷ و مابعد مصوب شورای آموزشی دانشگاه شهید بهشتی مورخ ۱۳۹۷/۵/۳۰ را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«ریاست محترم دیوان عدالت اداری

با سلام و احترام به استحضار می رساند شورای آموزشی دانشگاه شهید بهشتی در راستای آیین نامه یکپارچه دوره تحصیلی کارشناسی ارشد ویژه دانشگاه های سطح یک و سطح دو دولتی مصوب شورای عالی برنامه ریزی آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مبادرت به تصویب آیین نامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته دانشجویان ورودی سال ۱۳۹۷ و مابعد در تاریخ ۱۳۹۷/۵/۳۰ نموده اند. بنا به مفاد تبصره ۱ ماده ۱۲ آیین نامه در خصوص دروس جبرانی مقرر گردیده تا هزینه های طبق تصمیم و تعرفه هیأت امناء دانشگاه از دانشجویان دریافت شود. این در صورتی است که به موجب مفاد ماده ۷ همین آیین نامه و با توجه به بند ۳ اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از جمله

پیوست شماره یک آیین‌نامه مالی معاملاتی مصوب هیأت امناء تحت عنوان «دستورالعمل انواع و نحوه وصول و مصرف درآمدهای اختصاصی» در بیان مصادیق درآمدهای اختصاصی دانشگاه‌ها، اجازه وصول درآمدهای اختصاصی ناشی از فعالیت‌های آموزشی یا مواردی که به پیشنهاد مؤسسه به تصویب هیأت امناء می‌رسد - مشروط بر آن که در راستای سیاستها و اهداف مؤسسه باشد - را داده است. با عنایت به اینکه دانشگاه شهید بهشتی در زمره دانشگاه‌های برتر کشور بوده و سیاست دانشگاه پذیرش دانشجویانی است که به لحاظ دانش و مهارت در تراز دانشگاه‌های برتر و سطح یک باشند، در مواردی گذراندن دروس جبرانی برای برخی دانشجویان ضروری می‌باشد. از این حیث دریافت شهریه بابت دروس جبرانی با رعایت تشریفات فوق در زمره صلاحیتهای دانشگاه می‌باشد، همچنین لازم به یادآوری است ضرورت گذراندن دروس جبرانی در دفترچه راهنمای ثبت‌نام و شرکت در آزمون ورودی دوره‌های کارشناسی ارشد ناپیوسته سازمان سنجش آموزش کشور تحت عنوان دروس پیش‌نیاز قید شده است و از قبل در خصوص آن به دانشجویان اطلاع‌رسانی لازم صورت گرفته است.

نظر به جمیع جهات و نکات فوق و با عنایت به اینکه مصوبات این دانشگاه در چارچوب آیین‌نامه‌های حاکم و ضوابط و مقررات مصوب و ابلاغی از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و در چارچوب اختیارات و صلاحیتهای قانونی آن صورت گرفته است و شاکه نیز نتوانسته است مخالفت و مغایرت صریح مصوبات شورای دانشگاه را با قوانین مربوطه اثبات نماید، صدور رأی مقتضی مبنی بر رد درخواست ایشان از آن مرجع مورد استدعاست.»

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۳/۲۸ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با عنایت به اینکه مطابق بندهای (ح)، (ط) و (ی) ماده ۲۰ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۸۹ مقرر شده تحصیل دانشجویان روزانه در دانشگاه‌های دولتی رایگان می‌باشد و این حکم مطلق بیان شده و دلیلی بر انصراف آن از دروس جبرانی ملاحظه نمی‌شود، از طرفی طبق ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۸۴ و نیز ماده ۶۰ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت موسوم به الحاق ۲ دریافت هرگونه وجهی توسط دستگاه‌های اجرایی نیاز به حکم یا اذن قانونگذار دارد، بنابراین تبصره ۱ ماده ۱۲ آیین‌نامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته دانشجویان ورودی سال ۱۳۹۷ مصوب مورخ ۱۳۹۷/۵/۳۰ شورای آموزشی دانشگاه شهید بهشتی که متضمن جواز اخذ شهریه از دروس جبرانی است، مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات مرجع مصوب آیین‌نامه است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

شماره ۹۶۰۱۱۳۳

۱۳۹۸/۴/۱۶

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۵۸۲/۱۰۵۸۱۰۹۹۷۰۹۸۰۹۹۷۰۹۸۰ مورخ ۱۳۹۸/۳/۲۸ با موضوع: «ابطال ردیف‌های ۱۱، ۱۲ و ۱۵ از تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۳ شورای اسلامی شهر اسلامشهر» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۳/۲۸ شماره دادنامه: ۵۸۲ شماره پرونده: ۱۱۳۳/۹۶

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکه: آقای مصطفی قاسمی آئی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ۱- جدول ردیف ۱۱ از تعرفه عوارض محلی

سال ۱۳۹۳ شورای اسلامی شهر اسلامشهر در خصوص عوارض تفکیک عرصه

۲- جدول ردیف ۱۲ از تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۳ شورای اسلامی شهر اسلامشهر

در خصوص تفکیک اعیانی

وظایف اصلی دولت جمهوری اسلامی آموزش رایگان در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی است و با این شرایط مفاد تبصره ۱ ماده ۱۲ آیین‌نامه در تعارض با قوانین مارالذکر قرار دارد و نباید از دانشجویان دولتی دوره روزانه برای هیچ واحد درسی و حتی دروس جبرانی، هزینه‌ای اخذ گردد. در نهایت صدور حکم بر ورود شکایت به شرح خواسته مورد استدعاست.»

متن مقرر مورد اعتراض به شرح زیر است:

«آیین‌نامه آموزشی

دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته دانشجویان ورودی سال ۱۳۹۷ و مابعد مصوب شورای

آموزشی دانشگاه شهید بهشتی مورخ ۱۳۹۷/۵/۳۰

ماده ۱۲- تعداد واحدهای دروس جبرانی × به تشخیص گروه آموزشی حداکثر ۱۲ واحد است.

تبصره ۱: کسب نمره قبولی ۱۲ در دروس جبرانی، الزامی است ولی نمره مذکور در میانگین نیمسال و کل دانشجو محاسبه نمی‌شود و هزینه این دروس طبق تصمیم و تعرفه مصوب هیأت امناء دانشگاه از دانشجو دریافت می‌شود.»

در پاسخ به شکایت مذکور، مشاور رئیس و مدیر امور حقوقی دانشگاه شهید بهشتی به موجب لایحه شماره ۳۴۰/۲۳۲/ص - ۱۳۹۷/۱۲/۱۸ توضیح داده است که:

«رئیس محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

با سلام

احتراماً بازگشت به ابلاغیه واصله از آن مرجع در خصوص دادخواست آقای مزدک نصوری

علیه دانشگاه با موضوع درخواست صدور حکم ابطال تبصره ۱ ماده ۱۲ آیین‌نامه آموزشی

دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته دانشجویان ورودی سال ۱۳۹۷ و مابعد، مصوب شورای

آموزشی دانشگاه شهید بهشتی (موضوع پرونده شماره ۱۸۱۹/۵۸۰۹۰۹۹۸۰۹۷۰ به کلاسه

۹۷۰۲۸۸۵) موارد زیر به استحضار می‌رسد:

۱- همان گونه که مستحضرد دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی پژوهشی و فناوری از حیث مسائل آموزشی، تابع مقررات مصوب و ابلاغی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری می‌باشند. بر این اساس، آیین‌نامه حاکم بر تعیین وضعیت دروس جبرانی، «آیین‌نامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته» مصوب ۱۳۹۴/۷/۴ شورای عالی برنامه‌ریزی آموزشی وزارت علوم برای دانشجویان ورودی ۱۳۹۴ و بعد از آن است. در آیین‌نامه مذکور در خصوص دروس جبرانی به موارد ذیل اشاره شده است:

۱-۱- بند ۱۷ ماده ۲: تعریف درس جبرانی، درسی است که به تشخیص گروه آموزشی

گذراندن آن برای رفع کمبود دانش یا مهارت دانشجوی ضروری است.

۱-۲- تبصره ۱ ماده ۹: کسب نمره قبولی ۱۲ در دروس جبرانی، الزامی است ولی نمره

مذکور در میانگین نیمسال و کل دانشجو محاسبه نمی‌شود و هزینه این دروس طبق تعرفه

مصوب هیأت امناء مؤسسه از دانشجو دریافت می‌شود.

همان گونه که ملاحظه می‌شود، آیین‌نامه صدرالاشعار تشخیص گذراندن دروس جبرانی را

بر عهده گروه تخصصی مربوطه و در راستای تقویت دانش یا مهارت دانشجویان قرار داده است

و تعیین هزینه این گونه دروس را نیز به هیأت امنای دانشگاه‌ها واگذار نموده است،

بنابراین شورای آموزشی دانشگاه در این خصوص صرفاً به تکلیفی که از سوی آیین‌نامه

وزارتی پیش‌بینی شده عمل نموده و تعیین شهریه را با تصویب هیأت امناء قابل دریافت

دانسته است.

لازم به یادآوری است که «آیین‌نامه دوره‌های تحصیلی کاردانی/ کارشناسی، کارشناسی

ارشد و دکتری تخصصی (ویژه دانشگاه‌های سطح ۱ و ۲ دولتی)» مصوب جلسه شماره ۸۸۹ -

۱۳۹۶/۱۰/۳۰ شورای عالی برنامه‌ریزی آموزشی که مورد استناد شاکه قرار گرفته است،

در خصوص دروس جبرانی ساکت است و با عنایت به اینکه مطابق فراز آخر آیین‌نامه اخیر

«تمام آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های مغایر با آن لغو و بلااثر اعلام می‌شود»، در بخش مربوط

به دروس جبرانی، آیین‌نامه سال ۱۳۹۴ به دلایل عدم مغایرت با آیین‌نامه سال ۱۳۹۷

همچنان معتبر و لازم‌الاجراست.

۲- شاکه در متن دادخواست به اصل سوم قانون اساسی استناد کرده است و آیین‌نامه

مصوب شورای آموزشی دانشگاه را مغایر بند (۳) اصل سوم دانسته و تقاضای ابطال آن را

کرده‌اند. با این حال، بند (۳) اصل سوم در خصوص آموزش عالی، تنها ناظر به تسهیل و

تعمیم آموزش عالی است، برخلاف «آموزش و پرورش و تربیت بدنی» که بند (۳) اصل سوم

بر رایگان بودن آن تأکید نموده است. به این جهت نیز شاکه نتوانسته است «مخالفت»

مصوبه دانشگاه را با قوانین مربوطه اثبات نماید.

۳- ماده ۱ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور، دانشگاه‌ها را از حیث مسائل

مالی معاملاتی تابع آیین‌نامه خاص مصوب هیأت امنای خود دانسته است که در این راستا

عوارض یاد شده برای سال ۱۳۹۳ و به تبع آن وصول عوارض مذکور مغایر با روح و مفاد قوانین مذکور و به منزله استنکاف از اجرای آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری است.» متن تعرفه‌های مورد اعتراض به قرار زیر است:

ردیف ۱۱ از تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۳ شورای اسلامی شهر اسلامشهر:

«در اجرای تبصره (۱) ماده (۵۰) قانون مالیات بر ارزش افزوده، عوارض پیشنهادی شهرداری جهت تصویب اعلام می‌گردد.

ردیف	کد	شرح	عوارض تفکیک عرصه	مستند قانونی	توضیحات
۱۱	۱۲۰۴ ۰۱۰۲۰۰۴	عوارض تفکیک اراضی موضوع بخشنامه شماره ۱۳۳۴۳۱/۴۲۱ مورخ ۶۸/۱۲/۲۸ وزارت محترم کشور	از هر مترمربع با کاربری مسکونی $p \times 30\%$	بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون موسوم به شوراها و تبصره ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده	تفکیک عوارض $K \times p \times s$ = تفکیک عرصه (۱) نماد p عبارت است از آخرین ارزش منطقی موضوع ماده ۶۴ قانون مالیاتهای مستقیم (۲) نماد k عبارتست از ضریب ثابت (۳) نماد s عبارتست از مساحت عرصه به مترمربع
			از هر مترمربع با کاربری تجاری و صنعتی $p \times 150\%$		
			از هر مترمربع با کاربری اداری معادل $p \times 70\%$		
			از هر مترمربع یا سایر کاربریها $p \times 20\%$		

ردیف ۱۲ از تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۳ شورای اسلامی شهر اسلامشهر:

ردیف	کد	شرح	عوارض تفکیک اعیانی	مستند قانونی	توضیحات
۱۲	۱۲۰۴ ۰۱۰۲۰۰۴	عوارض تفکیک اعیانی	با کاربری مسکونی معادل 15% قیمت ارزش معاملاتی ساختمان	بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون موسوم به شوراها و تبصره ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده	تفکیک اعیان $K \times p \times s$ = (۱) نماد p عبارت است از آخرین ارزش معاملاتی موضوع ماده ۶۴ قانون مالیاتهای مستقیم (۲) نماد k عبارتست از ضریب ثابت (۳) نماد s عبارتست از مساحت اعیانی به مترمربع توضیح اینکه عوارض تفکیک اعیانی شامل ساختمان‌هایی است که بدون مجوز اقدام به تفکیک نموده و در کمیسیون ماده صد مطرح و رأی به ابقاء بنا صادر شده باشد.
			با کاربری اداری معادل 70% قیمت ارزش معاملاتی ساختمان		
			با کاربری تجاری معادل 100% قیمت ارزش معاملاتی ساختمان		
			سایر کاربریها معادل 50% قیمت ارزش معاملاتی ساختمان		

تبصره (۱): عوارض این تعرفه به کل بنا تعلق گرفته و مشترکات به میزان قدرالسهم بین واحدها تقسیم می‌شوند.

تبصره (۲): این عوارض در زمان دریافت پایان کار و در صورت درخواست متقاضی برای تفکیک اعیانی و یا در هر زمان دیگری که مالک تقاضای تفکیک یا تقاضای گواهی معامله عدم خلاف با پایان کار را داشته باشد، قابل وصول است.

۳- جدول ردیف ۱۵ تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۳ شورای اسلامی شهر اسلامشهر در خصوص عوارض حق‌النظاره مهندسیین ناظر از مصوبات شورای اسلامی شهر اسلامشهر **گردش‌کار:** شاکي به موجب دادخواست و لایحه تکمیلی ابطال تعرفه عوارض سال ۱۳۹۳ شهرداری و شورای اسلامی شهر اسلامشهر شامل عوارض تفکیک عرصه و اعیانی و حق‌النظاره مهندسی، جدول ارزش معاملاتی ساختمانی موضوع تبصره ۱۱ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری از مصوبات شورای اسلامی شهر اسلامشهر را خواستار شده است و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با سلام

۱- احتراماً هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در آراء متعددی به صراحت، اصل موضوعات مورد استفاده توسط شورای اسلامی شهر اراک و کرج و دیگر شهرها جهت وضع و تعیین عوارض سالانه را غیرقانونی و مورد ابطال قرار داده است. لیکن علی‌رغم آرای مذکور در روزنامه رسمی و اعلام مستقیم به شورای شهر و شهرداری اسلامشهر تأثیری روی روند نادرست آن شورا نداشته و مرجع مذکور یا نسبت به موضوع بی‌اعتنا بوده و یا شرط اجرا را دریافت حکم هیأت عمومی در خصوص شهر اسلامشهر می‌داند و این در حالی است که دیوان عدالت اداری به عنوان عالیترین مرجع اداری کشور محسوب و آراء وحدت رویه صادر شده از هیأت عمومی آن مرجع برای تمامی مراجع اداری و نهادها و موسسات عمومی غیر دولتی من جمله شهرداریها و نیز شوراهای اسلامی شهر و روستا لازم‌الاتباع بوده و تنها قوانین لاحق می‌تواند برطرف‌کننده آن باشد.

۲- عوارض و بهای خدمات غیرقانونی سال ۱۳۹۳ اسلامشهر شامل:

۱-۲- در ارتباط با تعرفه با عنوان عوارض تفکیک عرصه و اعیان در صفحات ۲۳ الی ۲۹ دفترچه عوارض و جداول شماره ۱۱ و ۱۲ بر اساس دادنامه‌های به شماره ۹۶۴ - ۱۳۸۶/۹/۱۱، ۲۷۵ - ۲۱۸ - ۱۳۸۷/۴/۹ - ۳۹۳ - ۱۳۸۹/۹/۲۹ - ۴۵۹ - ۱۳۸۹/۱/۲۰ - ۴۹۲ - ۱۳۸۹/۱۱/۴ - ۲۷۵ - ۳۸۱ - ۱۳۹۱/۹/۲۰ - ۶۳۴ - ۱۳۹۱/۹/۲۰ - ۶۲۷ - ۱۳۹۱/۹/۱۳ - ۶۲۱ - ۱۳۹۱/۵/۱۶ - ۱۳۹۱/۹/۷ - ۲۷۵ - ۱۳۹۱/۵/۱۶ - ۹۷ - ۱۳۹۵/۲/۲۸ - ۱۳۱۰ - ۱۳۹۴/۱۲/۱۸ - ۲۴۴ - ۱۳۹۵/۴/۱ - ۳۱۵ - ۱۳۹۶/۴/۱۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، تعیین و دریافت عوارض تفکیک عرصه و اعیان خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات شوراهای اسلامی شهرها تشخیص داده شده است.

۲-۲- صفحه ۳۵ دفترچه عوارض با عنوان عوارض حق‌النظاره و طراحی مهندسیین به ماخذ ۵ درصد مطابق دادنامه شماره ۶۶۴ - ۱۳۹۱/۹/۲۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، وضع عوارض بر درآمد حق‌النظاره مهندسان از این حیث که از مصادیق ارائه خدمات و ماخذ محاسبه مالیات است، خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات مرجع وضع تشخیص شده است.

۳-۲- در خصوص جدول ارزش معاملاتی ساختمان در سال ۱۳۹۳ بر اساس دادنامه‌های شماره ۳۶۱ - ۱۳۸۲/۹/۹ - ۵۷۲ - ۵۷۳ مورخ ۱۳۸۴/۱۰/۱۸ - ۶۶۴ - ۱۳۹۲/۹/۱۸ و ۱۰۱۸ - ۱۳۹۳/۶/۱۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، خلاف قانون تشخیص شده است. لازم به ذکر است تبصره ۱۱ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری الحاقی سال ۱۳۵۸ می‌باشد در حالی که مطابق ماده ۶۴ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب سال ۱۳۶۶ و اصلاحی آن سال ۱۳۸۰ که از نظر زمانی نسبت به قانون شهرداری موخر است و تعیین ارزش معاملاتی به عهده کمیسیون تقویم املاک مندرج در ماده ۶۴ قانون مالیاتهای مستقیم بوده و بدین ترتیب تبصره ۱۱ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری الحاقی سال ۱۳۵۸ دیگر موضوعیت ندارد. همچنین ارزش معاملاتی مذکور مبنای محاسبه مالیات نقل و انتقال املاک مندرج در ماده ۵۹ قانون مالیاتهای مستقیم قرار گرفته که به لحاظ مفاد ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده وضع تعرفه بهای خدمات بر ارزش معاملاتی املاک از سوی شورای اسلامی شهر اسلامشهر فاقد وجاهت قانونی است.

مطابق مقررات تبصره ۳ ماده ۶۴ قانون یاد شده ارزش معاملاتی که به تصویب کمیسیونهای تقویم املاک می‌رسد صرفاً برای محاسبه انواع مالیات است و ماخذ محاسبه عوارض و سایر وجوه مطابق مقررات قانونی مزبور بر بنای درصدی از ارزش معاملاتی تعیین می‌گردد که به تصویب هیأت وزیران و یا مراجع قانونی مرتبط می‌رسد و در این رابطه تصویب‌نامه شماره ۵۷۷۸/۵/۲۰۲ - ۵۵۴۲۰۲ - ۱۳۹۶/۱/۲۶ هیأت وزیران ماخذ محاسبه سایر عوارض و وجوه را تا پایان سال ۱۳۹۶ معادل ۸۵٪ ارزش معاملاتی مصوب سال ۱۳۹۵ تعیین کرده است. خارج بودن از اختیارات مرجع وضع، ابطال شده‌اند لذا وضع مجدد

ردیف ۱۵ از تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۳ شورای اسلامی شهر اسلامشهر:

ردیف	کد	شرح	عوارض تفکیک اعیانی	مستند قانونی	توضیحات
۱۵	۳۱۱۰-۳۰۱۰۱۰	بهای ناشی از ارائه خدمات مهندسی	معادل ۵٪ از کل پروانه ساختمانی صادره $K \times p \times s$ %۵	بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون موسوم به شوراها و تبصره ۵۰ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده	بهای ناشی از ارائه خدمات مهندسی (۱) نماد p عبارت است کل مبلغ پروانه ساختمانی برای یک مترمربع (۲) نماد K عبارتست از ضریب ثابت (۳) نماد S عبارتست از مساحت به مترمربع

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی شهر اسلامشهر به موجب لایحه شماره ۵/۱۳۱۱۵ - ۱۳۹۶/۱۲/۲۶ توضیح داده است که:
«ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری سلام علیکم

احتراماً در خصوص پرونده کلاسه ۱۱۳۳/۹۶ و به شماره پرونده ۵۸۰۰۱۰۰ در مورد دادخواست آقای مصطفی قاسمی آئی به خواسته ابطال تعرفه عوارض غیرقانونی سال ۱۳۹۳ شهرداری و شورای شهر اسلامشهر مطالب ذیل‌الذکر در پاسخ به دادخواست به حضور ایفاد می‌گردد.

۱- شاکي در دادخواست تقدیمی به هدف نقض جدول ارزش معاملاتی ساختمان اذعان داشته که تعیین ارزش معاملاتی به عهده کمیسیون تقویم املاک مندرج در ماده ۶۴ قانون مالیاتهای مستقیم بوده و اعلام داشته که تبصره ۱۱ ماده ۱۰۰ قانون شهرداریهای الحاقی سال ۱۳۵۸ موضوعیت ندارد که در پاسخ اشعار می‌دارد شاکي با هدف خلط مبحث و در صدد به چالش کشاندن هدف و فلسفه تصویب ماده ۱۰۰ قانون شهرداری و تبصره ۱۱ الحاقی آن با اهداف تشکیل قانون مالیاتهای مستقیم و ماده ۶۴ قانون مارالذکر می‌باشد چرا که قانون شهرداری و یا قانون مالیاتهای مستقیم هر کدام با اهداف خاص و با فلسفه وجودی متنوع و به تبع آن دارای ارکان مجزایی جهت اجرای آن تشکیل گردیده چرا که ماده ۱۰۰ قانون شهرداری بابت جلوگیری از ساخت و سازهای غیر مجاز قبل از اخذ پروانه و یا مغایر مفاد پروانه مفاد پروانه تشکیل شده و به استناد تبصره ۱۱ الحاقی مصوب ۱۳۵۸/۶/۲۷ آیین‌نامه ارزش معاملاتی ساختمان پس از تنظیم توسط شهرداری و تصویب شورای شهر در مورد اخذ جرایم قابل اجراست که این موضوع صراحتاً در تبصره‌های ۱۱ ماده مرقوم ذکر گردیده در حالی که استناد شاکي به ماده ۶۴ قانون مالیاتهای مستقیم بابت «مالیات بر درآمد املاک» قابلیت اجرایی داشته است که این دو قانون مجزا نه تنها هیچ گونه سختی با همدیگر نداشته بلکه جالب توجه اینکه وکیل در مقام اعلام نسخ تبصره ۱۱ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری به استناد ماده ۶۴ قانون مالیات مستقیم می‌باشد که در واقع کل تشکیلات کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری و اعمال تبصره ۱۱ ماده مرقوم و آرای صادره در این خصوص را زیر سوال برده که این موضوع جای تعجب دارد!

۲- شاکي در شرح دادخواست ایراد گرفته که با وجود مفاد ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده وضع تعرفه بهای خدمات بر ارزش معاملاتی املاک از سوی شورای اسلامی شهر اسلامشهر را فاقد وجهت قانونی اعلام نموده است که در پاسخ خاطرنشان می‌سازد: با عنایت به اینکه موضوع و مفاد ماده ۶۴ قانون مالیاتهای مستقیم بابت تعرفه بهای خدمات از جمله سود و فروش قابل استفاده و مبنای محاسبه مالیات قرار می‌گیرد در صورتی که آیین‌نامه ارزش معاملاتی موضوع تبصره ۱۱ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری به عنوان ضمانت اجرای جرایم مقرر موضوع تبصره‌های ۲، ۳، ۴ و ۵ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری تدوین و تصویب گردیده که هیچ ارتباطی به قانون مالیات نداشته است چرا

که آیین‌نامه ارزش معاملاتی ساختمان موضوع تبصره ۱۱ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری بابت تعیین جرایم کمیسیون ماده ۱۰۰ صلاحیت و قابلیت اجرایی داشته در صورتی که ماده ۶۴ قانون مالیاتهای مستقیم بابت تعرفه‌های خدمات (سود و فروش) مقرر شده که پرداخت مالیات مانع پرداخت جرایم کمیسیون ماده ۱۰۰ نمی‌باشد که نامبرده با هدف نقض رأی اوراقی ضمایم دادخواست تحت عنوان ارزش اعیانی مههور به مهر اداره امور مالیاتی اسلامشهر که ارزش اعیانی املاک را بر اساس نوع ساختمان (اسکلت - دیوار- سقف) به مبلغ پایین را ضمیمه دادخواست نموده لیکن مبلغ مذکور بابت عوارض ارزش اعیانی می‌باشد که وفق قانون مالیاتهای مستقیم به صورت عام‌الشمول تنظیم می‌گردد و در حالی که آیین‌نامه ارزش معاملاتی ملک با تصویب این شورا و تایید فرمانداری توسط کمیسیون ماده ۱۰۰ جهت صدور رأی ملاک عمل قرار می‌گیرد صرفاً جنبه بازدارندگی داشته نه درآمدی، در صورت حذف و ابطال آن جنبه بازدارندگی خود را از دست داده و مالکین را تشویق به احداث تخلفات می‌نماید چرا که وقوع تخلفات برای مالکین دارای منفعت و ارزش افزوده زیادی خواهد داشت که نامبرده با هدف انحراف آن اعضا به قانون مالیات متوسل شده و خواستار نقض آیین‌نامه ارزش معاملاتی موضوع تبصره ۱۱ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری می‌باشد.

۳- ولیکن در خصوص خواسته دیگر شاکي بابت ابطال تعرفه عوارض غیرقانونی سال ۱۳۹۳ شهرداری و شورای اسلامی شهر اسلامشهر شامل عوارض تفکیک عرصه و اعیان و حق‌النظاره مهندس ناظر بایستی خاطرنشان ساخت صرف نظر از اینکه هیچ‌یک از عناوین تعرفه عوارض بهای خدمات مربوط به شهرداری اسلامشهر در دیوان عدالت اداری ابطال نشده است ولیکن این شهرداری و شورای شهر در راستای اجابت مفاد نامه شماره ۹۰۰۰/۲۳۴/۱۲۵۷۷۵/۲۰۰ - ۱۳۹۶/۱۰/۶ معاون حقوقی، پیشگیری و پژوهش دیوان عدالت اداری نسبت به لغو و اصلاح عناوین ابطالی مصوبات عوارض از سوی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری اقدام نموده و در تعرفه و همچنین بودجه سال ۱۳۹۷ شهرداری لحاظ نشده است و این موضوع را مدیریت اداره درآمد طی نامه شماره ۱۵۵۸۷۶ - ۱۳۹۶/۱۲/۲۳ را نیز تایید و تصدیق نموده است و با عنایت به اینکه در تعرفه و بودجه سال آینده (سال ۱۳۹۷) این نوع عوارض پیش‌بینی نشده و در واقع نسبت به لغو آن اقدام گردیده لذا طرح دادخواست بابت چنین موضوعاتی سالبه به انتفاء موضوع تلقی و از محضر قضات شریف استدعای رد شکایت مطروحه را دارد.»

رسیدگی به موضوع از جمله مصادیق حکم ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ تشخیص نشد.

در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ پرونده به هیأت تخصصی شوراها و اعیان دیوان عدالت اداری ارجاع می‌شود و هیأت مذکور در خصوص خواسته شاکي، آیین‌نامه ارزش معاملاتی ساختمان موضوع تبصره ۱۱ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری در سال ۱۳۹۴ مصوب شورای اسلامی شهر اسلامشهر را مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات ندانسته است و به استناد مواد ۱۲ و ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۴۰۳ - ۱۳۹۷/۱۲/۱۴ رأی به رد شکایت شاکي صادر کرده است.

رأی مذکور به علت عدم اعتراض از سوی رئیس دیوان عدالت اداری و یا ده نفر از قضات دیوان عدالت اداری قطعی یافته است.

پرونده در راستای رسیدگی به بندهای ۱۱، ۱۲ و ۱۵ از تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۳ شورای اسلامی شهر اسلامشهر در دستور کار هیأت عمومی دیوان عدالت اداری قرار گرفت. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۳/۲۸ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

۱- با توجه به اینکه در آراء متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری وضع عوارض برای تفکیک عرصه و اعیان و کسری حد نصاب در مصوبات شوراها و اعیان شهرها مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص و ابطال شده است، بنابراین جدول ردیف ۱۱ تحت عنوان عوارض تفکیک عرصه و جدول ردیف ۱۲ تحت عنوان عوارض تفکیک اعیانی از تعرفه عوارض و بهای خدمات شهرداری اسلامشهر در سال ۱۳۹۴ مصوب شورای اسلامی شهر اسلامشهر به دلایل مندرج در رأی شماره ۹۷ - ۱۳۹۵/۲/۲۸ و ۹۶۹ - ۱۳۹۵/۱۰/۱۶

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات قانونی است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

۲- با توجه به اینکه در آراء متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری وضع عوارض حق‌النظاره برای مهندسین ناظر و غیره در مصوبات شوراهای اسلامی شهرها مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص و ابطال شده است، بنابراین جدول ردیف ۱۵ تحت عنوان عوارض حق‌النظاره مهندسین ناظر از تعرفه عوارض و بهای خدمات شهرداری اسلامشهر در سال ۱۳۹۴ مصوب شورای اسلامی شهر اسلامشهر به دلایل مندرج در رأی شماره ۱۲۲۹ - ۱۳۹۴/۱۱/۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات قانونی است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مرتضی علی اشراقی

شماره ۹۷۰۱۷۱۰

۱۳۹۸/۴/۲۹

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۵۹۱ مورخ ۱۳۹۸/۴/۱۱ با موضوع: «ابطال قسمتی از بند ۲ بخشنامه شماره ۲۱۱/۴۳۸۵/۱۹۴۱۸ - ۱۳۸۳/۱۱/۷ - رییس کل سازمان امور مالیاتی کشور» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۴/۱۱ شماره دادنامه: ۵۹۱ شماره پرونده: ۱۷۱۰/۹۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای بهمن زبردست

موضوع شکایت و خواسته: ابطال عبارت «می‌تواند صرفاً با کسر دو هفتم از سهم حق بیمه پرداختی حقوق‌بگیران بیمه شده» از بند ۲ بخشنامه شماره ۲۱۱/۴۳۸۵/۱۹۴۱۸ - ۱۳۸۳/۱۱/۷ رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور

گردش‌کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال عبارت «می‌تواند صرفاً با کسر دو هفتم از سهم حق بیمه پرداختی حقوق‌بگیران بیمه شده» از بند ۲ بخشنامه شماره ۲۱۱/۴۳۸۵/۱۹۴۱۸ - ۱۳۸۳/۱۱/۷ رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«با سلام و احترام، ضمن تقدیم بخشنامه شماره ۲۱۱/۴۳۸۵/۱۹۴۱۸ - ۱۳۸۳/۱۱/۷ رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور، به استحضار می‌رساند بنا به ماده ۱۳۷ قانون مالیاتهای مستقیم، هزینه‌های درمانی پرداختی هر مؤدی بابت معالجه، همچنین حق بیمه پرداختی هر شخص حقیقی به مؤسسات بیمه ایرانی بابت انواع بیمه‌های عمر و زندگی و بیمه‌های درمانی از درآمد مشمول مالیات مؤدی کسر می‌گردد و در این ماده نه ذکری از این که چه سهمی از پرداختی بیمه شدگان تأمین اجتماعی از درآمد مشمول مالیاتشان کسر شود شده نه اختیاری به سازمان مالیاتی جهت تعیین این میزان داده شده‌اما در بند ۲ بخشنامه مورد اعتراض، بدون ذکر مبنای محاسبه «صرفاً با کسر دو هفتم از سهم حق بیمه پرداختی حقوق‌بگیران بیمه شده» تأمین اجتماعی موافقت شده، که حتی اگر هم سازمان امور مالیاتی اختیاری برای تعیین این میزان می‌داشت، باز هم در مغایرت با ماده ۲۹ قانون تأمین اجتماعی بود که بر مبنای آن «نه درصد از مأخذ محاسبه حق بیمه مذکور در ماده ۲۸ این قانون حسب مورد برای تأمین هزینه‌های ناشی از موارد مذکور در بندهای الف و ب ماده ۳ این قانون (حوادث و بیماریها و بارداری) تخصیص می‌یابد و بقیه به سایر تعهدات اختصاص خواهد یافت.» لذا با عنایت به اینکه تعیین مبنای کسر دو هفتم از سهم حق بیمه پرداختی، اساساً خارج از حدود اختیارات رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور بوده، در مغایرت با ماده ۲۹ قانون تأمین اجتماعی نیز می‌باشد، از آن مقام عالی درخواست ابطال این مبنای کسر غیر قانونی و حذف عبارت «می‌تواند صرفاً با کسر دو هفتم از سهم حق بیمه پرداختی حقوق‌بگیران بیمه شده» از بند ۲ بخشنامه شماره ۲۱۱/۴۳۸۵/۱۹۴۱۸ - ۱۳۸۳/۱۱/۷ را دارم.»

متن بخشنامه مورد اعتراض به قرار زیر است:

«بخشنامه شماره ۲۱۱/۴۳۸۵/۱۹۴۱۸ در خصوص حق بیمه‌های درمانی و درآمد حقوق شماره: ۱۳۸۳/۱۱/۷ - ۱۹۴۱۸/۴۳۸۵/۲۱۱

سازمان امور اقتصادی و دارایی استان - شورای عالی مالیاتی - اداره کل امور مالیاتی استان - دفتر فنی مالیاتی - اداره کل - هیأت عالی انتظامی مالیاتی - دفتر - دادستانی انتظامی مالیاتی - دبیرخانه هیأت‌های موضوع ماده ۲۵۱ مکرر - پژوهشکده امور اقتصادی - دانشکده امور اقتصادی - جامعه حسابداران رسمی ایران - سازمان حسابرسی

پیرو بخشنامه شماره ۴۰۰۶/۱۰۰۸۱ - ۴/۳۰ مورخ ۱۳۸۱/۲/۱ چون در خصوص اجرای حکم ماده ۱۳۷ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب اسفندماه ۱۳۶۶ و اصلاحیه‌های بعدی آن خصوصاً حق بیمه پرداختی حقوق‌بگیران بابت بیمه عمر و بیمه‌های درمانی که معمولاً به صورت مستمر و اقساط ماهیانه انجام می‌شود از طرف ادارات امور مالیاتی، کارفرمایان و مؤدیان مالیاتی سوالاتی مطرح شده است، لذا موارد زیر را یادآور می‌گردد:

۱-.....

۲- کارفرمایان بیمه شدگان سازمان تأمین اجتماعی می‌توانند صرفاً با کسر دو هفتم از سهم حق بیمه پرداختی حقوق‌بگیران بیمه شده و کارفرمایان بیمه‌شدگان سازمان خدمات درمانی و سایر مؤسسات بیمه‌گر ایرانی نیز می‌توانند با کسر کل سهم حق بیمه پرداختی حقوق‌بگیران بیمه شده خود از درآمد حقوق آنان و با قید میزان آن در فهرستهای حقوق، تسلیمی به اداره امور مالیاتی ذریبط مالیات متعلق را محاسبه نمایند. - رئیس کل سازمان امور مالیاتی»

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل دفتر حقوقی سازمان امور مالیاتی کشور به موجب لایحه شماره ۲۱۲/۱۵۸۲۷/ص - ۱۳۹۷/۷/۱۷ توضیح داده است که:

«جناب آقای دربین

مدیرکل محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

با سلام و احترام

در خصوص کلاسه ۹۷۰۱۷۱۰ و به شماره پرونده ۹۷۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۰۶۹۴ موضوع دادخواست آقای بهمن زبردست به خواسته ابطال عبارت «می‌تواند صرفاً با کسر دو هفتم از سهم حق بیمه پرداختی حقوق‌بگیران بیمه شده» بند ۲ بخشنامه شماره ۲۱۱/۴۳۸۵/۱۹۴۱۸ - ۱۳۸۳/۱۱/۷ سازمان امور مالیاتی کشور، ضمن ارسال تصویر نامه شماره ۲۳۲/۳۲۲۶۷/د - ۱۳۹۷/۶/۲۷ که در پاسخ به دادخواست مشارالیه تهیه گردیده به استحضار می‌رساند:

۱- در خصوص عدم مغایرت بند ۲ بخشنامه مذکور با ماده ۱۳۷ قانون مالیاتهای مستقیم توضیحات به شرح زیر می‌باشد:

بر اساس ماده ۱۳۷ قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ و اصلاحی مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ «... حق بیمه پرداختی هر شخص حقیقی به مؤسسات بیمه ایرانی بابت انواع بیمه عمر و بیمه‌های درمانی از درآمد مشمول مالیات مؤدی کسر می‌گردد» با عنایت به ماده ۲۸ قانون تأمین اجتماعی «حق بیمه از اول مهر ماه تا پایان سال ۱۳۵۴ به میزان بیست و هشت درصد مزد یا حقوق است که هفت درصد آن بر عهده بیمه شده و هجده درصد آن بر عهده کارفرما و سه درصد به وسیله دولت تأمین خواهد شد.» و حسب تبصره ۱ همان ماده «از اول سال ۱۳۵۵ حق بیمه سهم کارفرما بیست درصد مزد یا حقوق بیمه شده خواهد بود و با احتساب سهم بیمه شده و کمک دولت کل حق بیمه به سی درصد مزد یا حقوق افزایش می‌یابد.» همان گونه که در این ماده بیان شده سهم بیمه شده هفت درصد از حق بیمه است. با توجه به نامه شماره ۵۰۱۳/۱۰۸۴۱۶ - ۱۳۸۲/۱۲/۳ «اداره کل امور فنی بیمه‌شدگان سازمان تأمین اجتماعی از تاریخ ۱۳۵۵/۱/۱ به بعد از ۷۰٪ حق بیمه سهم کارمند ۲ واحد جهت امور درمانی و ۵ واحد به سایر موارد تخصیص می‌یابد. با لحاظ اینکه در ماده ۱۳۷ قانون مالیاتهای مستقیم حق بیمه پرداختی هر شخص بابت بیمه‌های درمانی از درآمد مشمول مالیات مؤدی کسر می‌گردد و با توجه به اینکه صرفاً ۲ واحد از ۷ واحد حق بیمه پرداختی بیمه شده جهت امور درمانی تخصیص می‌یابد، بر اساس بند ۲ بخشنامه شماره ۲۱۱/۴۳۸۵/۱۹۴۱۸ - ۱۳۸۳/۱۱/۷ مقرر شده است «کارفرمایان بیمه‌شدگان سازمان تأمین اجتماعی صرفاً با کسر دو هفتم از سهم حق بیمه پرداختی حقوق‌بگیران بیمه شده از درآمد آنان و با قید میزان آن در فهرستهای حقوق تسلیمی به اداره امور مالیاتی ذریبط مالیات متعلق را محاسبه نمایند.

۲- در خصوص عدم مغایرت بند ۲ بخشنامه مذکور با ماده ۲۹ قانون تأمین اجتماعی توضیحات زیر ارائه می‌شود:

شاکی: آقای حمید ابراهیمی از ندریانی با وکالت آقای صادق جلیلی صالح
موضوع شکایت و خواسته: ابطال ماده ۶۳ دفترچه تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۵

شورای اسلامی شهر همدان

گرددش کار: آقای صادق جلیلی صالح به وکالت از آقای حمید ابراهیمی از ندریانی
به موجب دادخواستی ابطال ماده ۶۳ دفترچه تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۵ شورای
اسلامی شهر همدان را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«احتراماً به استحضار می‌رساند شهرداری همدان بر اساس ماده ۶۳ دفترچه عوارض
محلی ۱۳۹۵ شهرداری همدان که به تأیید شورای شهر همدان رسیده است مجاز به اخذ
عوارض تغییر کاربری املاک اعم از عرصه و اعیان شده است و بر همین اساس در قبال
تغییر کاربری ملک موکل به پلاک ثبتی ۲ فرعی از ۵۱۶۱ اصلی مبلغ هفتصد میلیون تومان
مطالبه و سند ملکی موکل را برای این مبلغ در رهن خود قرار داده است در حالی که
هیأت عمومی دیوان عدالت اداری طبق دادنامه شماره ۱۱۲۱ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۱۳ حکم
بر ابطال مصوبه شهرداری همدان در اخذ عوارض بابت تغییر کاربری صادر نموده اما
شهرداری همدان مجدداً مبادرت به درج همین موضوع در دفترچه عوارض محلی
سال ۱۳۹۵ کرده است. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تاکنون بیش از سی رأی وحدت
رویه مبنی بر منع اخذ عوارض تغییر کاربری توسط شهرداریها صادر کرده است از قبیل
دادنامه‌های ۲۱۸ - ۱۳۸۷/۴/۹، ۴۹۲ - ۱۳۸۹/۷/۴، ۴۵۹ - ۱۳۸۹/۱۰/۲۰، ۳۹۳ - ۱۳۸۹/۹/۲۹،
۴ - ۱۳۹۴/۱۱/۱۴، ۱۱۲۱ - ۱۳۹۴/۱۰/۱۳ و ۳۱۵ - ۱۳۹۴/۴/۱۳ اقدام شهرداری
همدان مغایر با آرای وحدت رویه دیوان عدالت اداری، ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از
مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰، ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات
شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵/۳/۱ با اصلاحات بعدی و
بند ۳ ماده ۱ قانون وزارت مسکن و شهرسازی مصوب ۱۳۵۳ می‌باشد. با عنایت به
مراتب فوق تقاضای ابطال ماده ۶۳ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۵ شهرداری همدان
مصوب شورای شهر اسلامی همدان از ابتدای تصویب مورد استدعاست. ضمناً بدو
تقاضای صدور دستور موقت مبنی بر جلوگیری از اجرای ماده ۶۳ نسبت به موکل
مورد تقاضا می‌باشد.»

در پی اخطار رفع نقصی که از طرف دفتر هیأت عمومی برای شاکی ارسال شده بود،
وی به موجب لایحه شماره ۱۱۵۱/۹۶ - ۱۳۹۷/۵/۸ پاسخ داده است که:

«مدیر محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

سلام علیکم

احتراماً در خصوص اخطاریه رفع نقص پرونده کلاسه ۱۱۵۱/۹۶ هیأت عمومی
دیوان عدالت اداری مبنی بر دلایل مغایرت مصوبه شهرداری همدان با قانون به استحضار
می‌رساند:

۱- مطابق ماده ۵ قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مصوب
سال ۱۳۵۱ بررسی و تصویب طرحهای تفصیلی شهری و تغییرات آنها در هر استان
به کمیسیون خاصی محول شده است و از سویی طبق ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و
انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵ و اصلاحات بعدی،
وظایف و اختیارات شوراهای اسلامی کشور تعیین شده است و در این ماده قانونی امر
تغییر کاربری اراضی در صلاحیت شورای اسلامی شهر پیش‌بینی نشده است لذا شهرداری
و شورای شهر صلاحیتی برای تغییر کاربری اراضی ندارند و به طریق اولی نمی‌تواند در
این خصوص مبادرت به وضع قاعده و اخذ عوارض و بهای خدمات کند مصوبه موضوع
شکایت مصداق بارز مفاد ماده ۱ و ۱۹ قانون دیوان عدالت اداری (خارج از حدود اختیارات
شورای شهر و مغایر قانون) می‌باشد.

۲- بر اساس ماده ۳۰ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین
مصوب ۱۳۷۳ در صورتی که درآمدهای وصولی ناشی از عوارض تکافوی هزینه‌های شهرداریها
را ننماید وضع عوارض جدید و افزایش عوارض موجود صرفاً با پیشنهاد وزیر کشور و
تصویب رئیس‌جمهور خواهد بود.

۳- طبق ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰ «دریافت
هرگونه وجه، کالا و یا خدمات تحت هر عنوان از اشخاص حقیقی و حقوقی توسط
وزارتخانه‌ها، موسسات و شرکتهای دولتی غیر از مواردی که در مقررات قانونی مربوط

بر اساس ماده ۲۹ قانون تأمین اجتماعی «نه درصد مأخذ محاسبه حق بیمه مذکور
در ماده ۲۸ این قانون حسب مورد برای تأمین هزینه‌های ناشی از موارد مذکور در بندهای
الف و ب ماده ۳ این قانون تخصیص می‌یابد و بقیه به سایر تعهدات اختصاص خواهد یافت.»
۹ درصد مذکور مجموع سهم بیمه شده (۰.۲٪)، کارفرما (۰.۶٪) و دولت (۰.۱٪) مأخذ محاسبه
حق بیمه می‌باشد. نظر به توضیحات مذکور در بند ۱ این لایحه و با توجه به تعیین سهم
۲ درصدی بیمه شده از ۰.۹٪ مأخذ محاسبه حق بیمه که در ماده ۲۹ قانون بدان اشاره شده و
به لحاظ اینکه صرفاً ۲ واحد از ۷ واحد سهم بیمه شده جهت تأمین هزینه‌های ناشی از حوادث،
بیماریها و بارداری (درمان) تخصیص یافته، بند ۲ بخشنامه مورد شکایت مغایرتی با مفاد
ماده ۲۹ قانون تأمین اجتماعی ندارد.

با لحاظ مراتب فوق و عدم مغایرت بند ۲ بخشنامه شماره ۲۱۱/۴۳۸۵/۱۹۴۱۸ -
۱۳۸۳/۱۱/۷ با ماده ۱۳۷ قانون مالیاتهای مستقیم و ماده ۲۹ قانون تأمین اجتماعی رسیدگی
و صدور رأی شایسته مبنی بر رد شکایت شاکی، مورد درخواست می‌باشد.»
هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۴/۱۱ با حضور معاونین دیوان
عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و
بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

بر اساس ماده ۱۳۷ قانون مالیاتهای مستقیم، هزینه‌های درمانی پرداختی هر مؤدی
بابت معالجه خود یا همسر و اولاد و پدر و مادر و برادر و خواهر تحت تکفل در یک سال
مالیاتی و همچنین حق بیمه پرداختی هر شخص حقیقی به مؤسسات بیمه ایرانی بابت
انواع بیمه‌های عمر و زندگی و بیمه‌های درمانی از درآمد مشمول مالیات مؤدی کسر
می‌گردد. همچنین به موجب ماده ۲۹ قانون تأمین اجتماعی «نه درصد از مأخذ محاسبه
حق بیمه مذکور در ماده ۲۸ این قانون حسب مورد برای تأمین هزینه‌های ناشی از موارد
مذکور در بندهای (الف) و (ب) ماده ۳ این قانون تخصیص می‌یابد و بقیه به سایر تعهدات
اختصاص خواهد یافت.» بنا به مراتب فوق بند ۲ بخشنامه شماره ۲۱۱/۴۳۸۵/۱۹۴۱۸ -
۱۳۸۳/۱۱/۷ رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور که بر اساس آن مقرر شده است که
کارفرمایان بیمه شدگان سازمان تأمین اجتماعی می‌توانند صرفاً با کسر دو هفتم از سهم
حق بیمه پرداختی حقوق‌بگیران بیمه شده و کارفرمایان بیمه‌شدگان سازمان خدمات
درمانی و سایر مؤسسات بیمه‌گر ایرانی نیز می‌توانند با کسر کل سهم حق بیمه پرداختی
حقوق‌بگیران بیمه شده خود از درآمد حقوق آنان و با قید میزان آن در فهرستهای حقوق
تسلیمی به اداره امور مالیاتی ذی‌ربط، مالیات متعلق را محاسبه نمایند از جهت کسر دو هفتم
از سهم حق بیمه پرداختی حقوق‌بگیران بیمه شده مغایر با حکم مقرر در ماده ۱۳۷ قانون
مالیاتهای مستقیم و ماده ۲۹ قانون تأمین اجتماعی است و به استناد بند ۱ ماده ۱۲ و
ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲
ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مرتضی علی اشراقی

شماره ۹۶۰۱۱۵۱

۱۳۹۸/۴/۲۹

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه
۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۵۹۳ مورخ ۱۳۹۸/۴/۱۱ با موضوع: «ابطال ماده ۶۳ دفترچه تعرفه
عوارض محلی سال ۱۳۹۵ شورای اسلامی شهر همدان» جهت درج در روزنامه رسمی به
پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۴/۱۱ شماره دادنامه: ۵۹۳ شماره پرونده: ۱۱۵۱/۹۶

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

۷۳۰ - ۱۳۹۶/۸/۲، ۷۸۳ - ۱۳۹۴/۶/۲۴ و ۱۱۲۱ - ۱۳۹۴/۱۰/۱۳ اشاره نمود که جملگی مصوبات شوراهای اسلامی شهر در وضع عوارض تغییر کاربری را مغایر قانون و خارج از حیطه اختیارات قانونی آنها دانسته و ابطال گردیده‌اند. لذا مصوبه شهرداری و شورای اسلامی شهر همدان مصداق مغایر با قوانین ذکر شده و آرای متعدد هیأت عمومی دیوان عالی کشور می‌باشد.»

متن تعرفه در قسمت مورد اعتراض به قرار زیر است:

افزایش ارزش کاربری املاک و اراضی	کد: ۰۶۰۳۰۱۰	ماده ۶۳
----------------------------------	-------------	---------

در صورتی که مالک تقاضای کاربری مغایر با کاربری مصوب طرح تفصیلی را داشته باشد و این امر باعث افزایش ارزش املاک و اراضی فوق گردد به استناد مصوبه مورخ ۱۳۶۴/۱۱/۱۹ (و اصلاحیه مورخ ۱۳۶۶/۲/۷) شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، شهرداری قبل از ارسال پرونده به کمیسیون ماده پنج بر اساس فرمول زیر نسبت به محاسبه افزایش ارزش کاربری فوق اقدام و پس از اخذ ضمانت معتبر به مبلغ مربوطه اقدامات لازم را در جهت ارسال پرونده به کمیسیون ماده پنج معمول نمایند.

افزایش ارزش کاربری اراضی و املاک دارای مستحقات یا بدون مستحقات به شرح فرمول ذیل به ازای کل عرصه مورد نظر محاسبه و وصول گردد.

$$R = 2 \times K \times P \times L \times S$$

ارزش منطقه‌ای = P
ضریب جدول شماره ۲۸ = L
خالص مساحت بعد از تعریض = S
ضریب جدول شماره ۲۷ = K
تبصره ۱: در صورتی که مالک هنگام صدور پروانه ساختمانی تقاضای کاربری مغایر با کاربری طرح تفصیلی برای بخشی از اعیان را داشته باشد قبل از ارسال پرونده به کمیسیون ماده پنج قانون تأسیس شورای عالی معماری و شهرسازی ایران، شهرداری بر اساس فرمول زیر نسبت به محاسبه افزایش ارزش کاربری اقدام نماید.

$$R = 4K \times L \times P \times S$$

ارزش منطقه‌ای = P
مساحت بخشی از اعیان = S
ضریب جدول شماره ۲۷ = K
ضریب جدول شماره ۲۸ = L
تبصره ۲: برای اشخاصی که همزمان متقاضی تفکیک و کاربری مغایر با طرح تفصیلی هستند (با رعایت ضوابط شهرسازی و طرح تفصیلی) عوارض افزایش ارزش املاک و اراضی آن معادل ۶۰٪ عوارض فوق در عرصه محاسبه و وصول گردد.

تبصره ۳: در آن دسته املاک تجاری چنانچه پلاکی با کاربری غیر تجاری الحاق و این تجمیع باعث افزایش دهنه و افزایش تراکم در ارتفاع شود و یا بر اثر تعریض پلاک جلویی به معبری با کاربری جدید تعریف شود، ضمن رعایت ضوابط و مقررات، مشمول پرداخت عوارض افزایش ارزش املاک و اراضی، تجمیع و ارزش افزوده خواهند شد.

تبصره ۴: در صورت تبدیل هر نوع کاربری به کاربری پارکینگ هیچ گونه عوارضی بابت تغییر کاربری اخذ نمی‌گردد.

تبصره ۵: چنانچه بعضی از تغییر کاربریها توسط ادارات دولتی و املاک خصوصی بدون هماهنگی و اخذ مجوز لازم از شهرداری صورت گرفته باشد به نرخ روز مشمول عوارض افزایش ارزش املاک و اراضی می‌گردد.

تبصره ۶: در صورتی که قیمت منطقه‌ای در محدوده شهری منطقه ۳ و ۴ از ۲۰/۰۰۰ ریال و در محدوده شهری منطقه ۱ و ۲ از ۶۰/۰۰۰ ریال کمتر باشد در ازای P در فرمول‌های بالا در محدوده شهری منطقه ۳ و ۴، ۲۰/۰۰۰ ریال و در محدوده شهری منطقه ۱ و ۲، ۶۰/۰۰۰ ریال منظور گردد.

معین شده یا می‌شود همچنین اخذ هدایا و کمک نقدی و جنسی در قبال کلیه معاملات اعم از داخلی و خارجی توسط وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و شرکتهای دولتی و موسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، موسسات و شرکتهایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام است و یا تابع قوانین خاص هستند ممنوع می‌باشد.»

۴- مصوبه موضوع شکایت مغایر با اصل ۲۲، ۴۷ و ۱۷۰ قانون اساسی و برخلاف نظر قانونگذار در ماده ۱ قانون نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۸۵ و ماده واحده نحوه تقویم املاک و اراضی مورد نیاز شهرداریها مصوب ۱۳۷۰ می‌باشد.

۵ - بر اساس لایحه اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا، ارائه دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی موسوم به تجمیع عوارض «از ابتدای سال ۱۳۸۲ برقراری و دریافت هرگونه وجوه از جمله مالیات و عوارض اعم از ملی و محلی از تولیدکنندگان کالاها، ارائه‌دهندگان خدمات و همچنین کالاهای وارداتی صرفاً به موجب این قانون صورت می‌پذیرد و کلیه قوانین و مقررات مربوط به برقراری، اختیار و یا اجازه برقراری و دریافت وجوه که توسط هیأت وزیران، مجامع، شوراها و سایر مراجع، وزارتخانه‌ها، سازمانها، موسسات و شرکتهای دولتی از جمله آن دسته از دستگاه‌های اجرایی که شمول قوانین بر آنها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام است، همچنین موسسات و نهادهای عمومی غیردولتی صورت می‌پذیرد به استثناء قانون مالیاتهای مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۲ و اصلاحات بعدی آن، قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۲/۶/۷، قانون مقررات تردد وسایل نقلیه خارجی مصوب ۱۳۷۲/۴/۱۲، عوارض آزادراهها، عوارض موضوع ماده ۱۲ قانون حمل و نقل و عبور کالاهای خارجی از قلمرو جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴/۱۲/۲۲ و عوارض موضوع بند ب ماده ۴۶، بند ب ماده ۱۳۰ و بندهای الف و ب ماده ۱۳۲ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ لغو می‌گردد.» این قانون تکلیف مالیات و عوارض آنها معین شده است، همچنین برقراری عوارض به درآمدها ماخذ محاسبه مالیات، سود سهام شرکتهای سود اوراق مشارکت، سود سپرده‌گذاری و سایر عملیات مالی اشخاص نزد بانکها و موسسات اعتباری غیربانکی مجاز، توسط شوراها و سایر مراجع ممنوع می‌باشد.»

۶ - هیأت عمومی دیوان عدالت اداری طی دادنامه شماره ۱۱۲۱ - ۱۳۹۴/۱۰/۱۳ حکم بر ابطال مصوبه شهرداری و شورای شهر همدان مبنی بر اخذ عوارض بابت تغییر کاربری صادر کرده است. متأسفانه علیرغم اینکه آرای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در حکم قانون برای تمام مراجع اداری و شهرداریها تا زمان وضع قانون مغایر یا نسخ قانون لازم‌الاتباع می‌باشد مجدداً در ماده ۶۳ عوارض محلی سال ۱۳۹۵، شهرداری و شورای شهر همدان دقیقاً اخذ عوارض بابت تغییر کاربری را تصویب کرده است که مغایر صریح رأی فوق‌الذکر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و سایر آرای وحدت رویه دیوان عدالت اداری که تعداد آنها به بیش از ۴۰ رأی می‌رسد می‌باشد.

۷- طی استعلام ریاست دیوان عدالت اداری به شماره ۴۱/۱۸۱۷۵ - ۱۳۸۳/۹/۲۶ از شورای نگهبان در این خصوص نظر آن شورا بدین شرح می‌باشد «... اجرای مصوبه باطل شده و نیز تصویب مصوبه‌ای به همان مضمون و یا مبتنی بر همان ملاکی که موجب ابطال شده است مانند عدم وجود مجوز قانونی، بدون اخذ مجوز جدید برخلاف نظریه تفسیری شورای نگهبان است» و رویه دیوان عدالت اداری نیز تاکنون ابطال تمام مصوبات این چنینی بوده است.

۸ - نظریه شماره ۸۴۰ - ۱۳۷۴/۱/۱۳ و ۵۶۹ سال ۱۳۷۵ و ۷۸/۲۱/۵۶۲۱ مورخ ۱۳۷۸/۸/۱۳ شورای نگهبان تصریح دارد که وصول هرگونه وجهی از اشخاص باید مستند به قانون باشد و اخذ هرگونه وجهی که مستند قانونی نداشته باشد خلاف شرع شناخته می‌شود.

۹- طبق ماده ۱۹ و ۱۰ قانون دیوان عدالت اداری مصوبات شهرداری و شورای اسلامی شهر که خارج از اختیار و صلاحیت آنان باشد ابطال می‌گردد و به عنوان نمونه در این خصوص می‌توان به آرای وحدت رویه دیوان عدالت اداری به شماره‌های ۱۰۰۸ - ۱۳۹۶/۱۰/۵،

جدول شماره ۲۸				
(بر اساس نقشه‌های صفحات ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱ استفاده شود)				
ضریب L				
ملاحظات	بیش از ۲۴ متر	بیش از ۱۸ تا ۲۴ متر	بیش از ۱۰ تا ۱۸ متر	بیش از ۶ تا ۱۰ متر
۱-۱۰۳/۱۰۱	۲/۲۵	۱/۷۵	۱/۵	۱/۲۵
۲-۱۱۳-۱۱۴-۱۱۶-۱۱۷-۱۱۸-۱۱۹/۱۰۲-۱۱۱-۱۱۲	۲	۱/۷۵	۱/۵	۱/۲۵
۱۰۹-۱۱۰-۱۱۵	۱/۷۵	۱/۵	۱/۲۵	۱
۲۰۱-۲۰۲-۲۰۳/۱	۲	۱/۷۵	۱/۵	۱/۲۵
۲۰۸-۲۱۴-۲۱۶	۲/۲۵	۲	۱/۷۵	۱/۲۵
۲۱۷/۲-۲۱۵-۲۱۳-۲۱۲-۲۱۱-۲۱۰-۲۰۹	۱/۷۵	۱/۵	۱/۲۵	۱
۲۰۱-۲۰۴-۲۰۵-۲۰۶-۲۰۷	۲	۱/۷۵	۱/۵	۱/۲۵
۳۰۱-۳۰۲ به استثناء جولان	۲	۱/۷۵	۱/۵	۱/۲۵
۱-۳۱۳-۳۱۴-۳۱۹-۳۲۰/۳۰۴	۱/۷۵	۱/۵	۱/۲۵	۱
۳۰۷-۳۰۸-۳۰۹-۳۱۰-۳۱۱-۳۱۵	۱/۵	۱	۱/۲۵	۱
۳۱۲-۳۱۶-۳۱۷-۳۱۸/۳۰۳-۳۰۵-۳۰۶	۱/۵	۱	۱/۲۵	۱
بر تجاری ۳۱۰ و ۳۱۱ و ۳۰۵-۳۱۲ و ۳۰۶-۳۱۳	۲	۱/۷۵	۱/۵	۱/۲۵
۴۰۱-۴۰۲	۱/۷۵	۱/۵	۱/۲۵	۱
۴۰۸-۴۰۹-۴۱۰-۴۱۱-۴۱۲-۴۱۶-۴۱۷-۴۱۹	۱/۵	۱	۱/۲۵	۱
۴۰۴-۴۰۵-۴۰۶-۴۰۷	۱/۵	۱	۱/۲۵	۱
۴۰۳-۴۱۲-۴۱۳-۴۱۴-۴۱۵-۴۱۸	۱/۵	۱	۱/۲۵	۱

عوارض حق انتفاع از کاربری جدید طرح تفصیلی به شرح تبصره‌های ذیل وصول گردد:
تبصره ۱: از املاک دارای سابقه در شهرداری که قصد انتفاع با کاربری جدید طرح تفصیلی را دارند معادل فرمول $R = 50\% \times K \times P \times S$ در هنگام صدور پروانه عوارض اخذ گردد و درآمد حاصل از این تبصره صرف اجرای طرح تفصیلی گردد. همچنین در خصوص املاکی که مجوز نقل و انتقال با کاربری طرح تفصیلی توسط شهرداری صادر شده است مشمول تبصره فوق نمی‌گردند.

تبصره ۲: از املاک فاقد سابقه در شهرداری که قصد انتفاع با کاربری جدید طرح تفصیلی را دارند معادل فرمول $R = 70\% \times K \times P \times S$ در هنگام نقل و انتقال و صدور پروانه عوارض اخذ گردد و درآمد حاصل از این تبصره صرف اجرای طرح تفصیلی گردد.
در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی شهر همدان به موجب لایحه شماره ۱۳۹۷/۷/۲۸-۷۰/۱/۳۶۲۸۶۸ توضیح داده است که:

«ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

با سلام و احترام

بازگشت به ابلاغیه واصله پرونده کلاسه ۹۶۰۱۱۵۱ به شماره بایگانی ۱۵۳۳۴ موضوع طرح دعوی حمید ابراهیمی از ندریانی به طرفیت شورای اسلامی شهر همدان، این شورا در مقام دفاع و اعتراض به ساختار استدلالات و استنادات مندرج در دادخواست ابرازی محضر عالی را به موارد ذیل الذکر معطوف می‌نماید:

۱- چنان که مستحضرد بر اساس قوانین و ضوابط شورای عالی شهرسازی و معماری کاربریهای اراضی و املاک بر اساس سرانه و جمعیت محلات و مناطق شهری توزیع و مشخص می‌شوند، از این رهگذر شهرداریها نیز مجری ایجاد کاربریهای عمومی در سطح شهر جهت ارائه خدمات به شهروندان هستند، بدین توضیح کاربریهای فضای سبز، بازگشایی معابر و شوارع، پارکینگ جزء کاربریهای است که شهرداری رأساً و مباشرتاً موظف به تملک املاک جهت ایجاد این کاربریها و تأمین سرانه‌های مورد نیاز شهروندان می‌باشد و بر اساس مصوبه ۱۳۶۴/۱۱/۱۹ و اصلاحیه ۱۳۶۶ شورای عالی و شهرسازی (ضوابط منطقه‌بندی و تعیین تراکم‌های ساختمانی و کاربری اراضی در طرحهای توسعه شهری) در جهت تأمین این سرانه‌ها املاکی که تغییر در سوابق ملکی و حقوق مکتسبه ایشان در طرح تفصیلی ایجاد می‌شود این تغییر باعث ارزش افزوده خواهد شد که باید ملحوظ نظر واقع گردد. در ارتباط با پرونده مانحن فیه که موید مسکونی بودن کاربری ملک می‌باشد اقتضاء دارد متعرض این مطالب شد که اولاً: چنان که مستحضرد کاربری مسکونی در مورد بنایی صدق می‌کند که برای سکنی باشد و یا پتانسیل آن را داشته باشد. ثانیاً: در کاربریهای مسکونی شبکه عبور و مرور محدودتری را دارد لیکن متعاقب پذیرش تبدیل آن به کاربری تجاری توسط مراجع قانونی، خود جاذب بازبازدیدها و باعث افزایش شبکه عبور و مرور و عملاً تولید ترافیک می‌گردد. لذا جهت تأمین سرانه‌های مورد نیاز از

افزایش ارزش کاربری املاک و اراضی				
کد: ۰۶۰۳۰۱۰		ماده ۶۳		
جدول شماره ۲۷				
ردیف	تغییر کاربری از	K	ردیف	تغییر کاربری از
۱	عمومی به مسکونی	۲۵	۲۲	اداری به مختلط
۲	عمومی به تجاری	۵۰	۲۳	اداری به مسکونی
۳	عمومی به استثناء پارکینگ به عمومی دیگر	۱	۲۴	اداری به تجاری محلهای
۴	عمومی به مختلط	۴۰	۲۵	اداری به تجاری
۵	عمومی به صنعتی	۱۰	۲۶	فضای سبز به مختلط
۶	مسکونی به تجاری	۳۵	۲۷	فضای سبز به اداری
۷	مسکونی به اداری	۱۰	۲۸	فضای سبز به عمومی
۸	مسکونی یا تجاری به عمومی	۱۰	۲۹	فضای سبز به خدماتی
۹	مسکونی به مختلط	۴۰	۳۰	فضای سبز به هتل
۱۰	تجاری محلهای به مسکونی	۳۰	۳۱	فضای سبز به سفره‌خانه سنتی
۱۱	تجاری به اداری	۱۰	۳۲	فضای سبز به تجاری
۱۲	تجاری به مختلط	۲۰	۳۳	فضای سبز به مسکونی
۱۳	تجاری محلهای به مختلط	۴۰	۳۴	فضای سبز به صنعتی
۱۴	تجاری به مسکونی	۱۵	۳۵	هر نوع کاربری غیر از فضای سبز به هتل
۱۵	تجاری به محلهای به تجاری	۴۰	۳۶	مختلط به تجاری
۱۶	خدماتی به مسکونی	۳۰	۳۷	مختلط به اداری
۱۷	خدماتی به اداری	۱۰	۳۸	مختلط به مسکونی
۱۸	خدماتی به تجاری	۲۰	۳۹	فضای سبز به باغ
۱۹	انباری مسکونی به انباری تجاری	۲۵	۴۰	پارکینگ به مختلط
۲۰	انباری مسکونی به تجاری	۴۰	۴۱	پارکینگ به تجاری
۲۱	انباری تجاری به تجاری	۳۵	۴۲	پارکینگ به مسکونی

تبصره ۷: سایر موارد که در جدول شماره ۲۷ قید نشده است تا ضریب ۵۰ با تصویب شورای اسلامی شهر قابل اجراء است.

تبصره ۸: مقصود از کاربری عمومی در جدول شماره ۲۷، کاربریهای ورزشی، بهداشتی درمانی، آموزشی، فرهنگی، مذهبی، نظامی و انتظامی، تأسیسات و تجهیزات شهری است که توسط شهرداری یا ارگان‌های دولتی احداث شود.

تبصره ۹: هنگام تغییر کاربری باغ و مزروعی به سایر کاربریها ضرایب آن معادل ۸۰٪ ضرایب عوارض افزایش ارزش کاربری املاک و اراضی از فضای سبز منظور گردد.
تبصره ۱۰: در صورت تبدیل هر نوع کاربری به کاربری هتل در مناطق ۱ و ۲ معادل جدول شماره ۲۷ و مناطق ۳ و ۴ معاف در نظر گرفته شود.

تبصره ۱۱: مالکین سرای، تیمچه و کاروانسراهای واقع در بافت بازار چنانچه قصد مرمت و احیاء در جهت بهره‌برداری به کاربری مرتبط با گردشگری اعم از هتل، متل، مهمانسرا، رستوران سنتی و ... را داشته باشند به جهت حمایت از سرمایه‌گذاری و احیای بافتهای فرسوده گردشگری از پرداخت عوارض افزایش ارزش املاک و اراضی معاف هستند.

تبصره ۱۲: هرگاه ابقاء یا تثبیت کاربری اولیه از کمیسیون ماده ۵ صادر گردد در صورتی که مالکیت ملک فوق تغییر نکرده باشد مشمول پرداخت افزایش ارزش کاربری املاک و اراضی نمی‌گردد.

آن مخصوص کارکنان ستادی وزارتخانه‌ها و سازمانهای مستقل زیر نظر رئیس‌جمهور و سازمانهای ستادی با حیطه وظایف ملی است و شامل حال شکات پرونده‌ها که از کارمندان دانشگاه علوم پزشکی گیلان هستند نمی‌شود. ثالثاً: فوق‌العاده ویژه موضوع ماده ۵۴ آیین‌نامه اداری استخدامی اعضای غیر هیأت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی، نیز برای موارد خاص و برای حداکثر ۲۵ درصد از مشاغل است، مشاغلی که تعیین آنها و نیز تعیین میزان فوق‌العاده قابل پرداخت به تهیه دستورالعمل مصوب هیأت امانه موکول شده است و حسب اعلام دانشگاه علوم پزشکی گیلان و مدیرکل حقوقی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تاکنون چنین دستورالعملی تهیه و تدوین نشده است. بدیهی است بدون تهیه دستورالعمل مذکور امکان شناسایی مشاغل مورد نظر و تعیین میزان فوق‌العاده پرداختی به آنان وجود ندارد. با عنایت به مراتب فوق رأی شماره ۱۳۹۷/۴/۲۰ - ۹۶۰۹۹۷۰۹۰۱۰۳۵ - ۱۳۹۶/۴/۳ - شعبه سوم که به رد شکایت صادر شده و در شعبه ۲۵ تجدیدنظر به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۷/۴/۲۰ - ۹۷۰۹۹۷۰۹۵۵۸۰۱۲۳۷ - تأیید شده است صحیح و موافق مقررات است. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مرتضی علی اشراقی

شماره ۹۸۰۱۱۳۹

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۶۶۸ مورخ ۱۳۹۸/۴/۱۱ جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۴/۱۱ شماره دادنامه: ۶۶۸ شماره پرونده: ۱۱۳۹/۹۸

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

اعلام‌کننده تعارض: خانم کبری عقیابی

موضوع: اعلام تعارض در آراء صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: به موجب مصوبه شماره ۴۰۷۳۲/۲۳/۱۱ - ۱۳۹۱/۵/۱۱ شورای عالی سازمان جمعیت هلال احمر، جمعیت هلال احمر مکلف شده است نسبت به تغییر ساختاری و حذف ۲۰٪ پستهای سازمانی و مدیریتی اقدام نماید که متعاقب این تغییر ساختار، تعداد پستهای سازمانی جمعیت از ۱۳۰ پست به ۷۲ پست و تعداد پستهای مدیریتی از ۶۰ پست به ۲۴ پست کاهش یافته است. بر این اساس در پی اعتراض اشخاص و تقدیم دادخواست به شعب دیوان مبنی بر ابطال حکم کارگزینی منجر به تنزل پست و اعاده به پست سازمانی سابق، شعب دیوان عدالت اداری آراء معارض صادر کرده‌اند.

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه ۱۰ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۲۰۹۹۸۰۹۰۰۸۵۱۶۶ با موضوع دادخواست خانم کبری عقیابی به طرفیت سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر و به خواسته لغو ابلاغ پست سازمانی جدید و ابقاء در پست سازمانی قدیم به موجب دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۹۰۱۰۰۰۹۲۳ - ۱۳۹۴/۵/۳۱ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

در خصوص شکایت مذکور نظر به اینکه به دلالت حکم کارگزینی شماره ۲/۱۳/۱۷۹۳۰ - ۱۳۷۲/۱۲/۱ پست سازمانی شاکی رییس اداره بررسی و نظارت بر امور مددکاری بوده درحالیکه وفق حکم شماره ۱۰۸۲/۴۸ - ۱۳۹۱/۷/۲۳ به عنوان کارشناس مسئول امور خودکفایی مددجویان منصوب گردیده است و توجهاً به اینکه اگر چه دوره خدمت پستهای مدیریت حرفه‌ای وفق بند ج ماده ۵۴ قانون مدیریت خدمات کشوری ۴ سال می‌باشد لیکن در صورت عدم تمدید، انتصاب در پست دیگر نباید موجب تنزل مقام یا گروه گردد و با عنایت به اینکه وفق رأی شماره ۴۲۷-۴۲۲ - ۱۳۹۰/۱۰/۲۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تغییر پست در صورت تنزل مقام یا گروه ممنوع می‌باشد لذا با این اوصاف شکایت شاکی را وارد تشخیص و به استناد مواد ۱۰ و ۵۸ و ۶۵ قانون تشکیلات و

۱۳۸۰۹۱/ت/۵۰۰۰ - ۱۳۹۳/۱۱/۱۵ نیز برقراری فوق‌العاده ویژه موضوع بند ۱۰ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری را صرفاً برای مشاغل تخصصی ستاد وزارتخانه‌ها مشروط به وجود اعتبار و تأیید سازمان برنامه‌ریزی کشور به نحوی که پرداختی به کارکنان هر دستگاه از ۶۰ درصد سقف تعیین شده تجاوز ننماید مجاز اعلام کرده است با این اوصاف شکایت شاکی را غیر وارد تشخیص و مستنداً به مواد ۱۰ و ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم به رد شکایت شاکی صادر و اعلام می‌نماید. رأی صادره ظرف مهلت ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در محاکم تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد.

رأی مذکور به موجب رأی شماره ۱۳۹۷/۴/۲۰ - ۹۷۰۹۹۷۰۹۵۵۸۰۱۲۳۷ - شعبه ۲۵ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شد.

ب: شعبه ۳۹ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۵۰۹۹۸۰۹۵۷۶۰۱۰۷۴ با موضوع دادخواست آقای محمد محسنی به طرفیت ۱- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی کشور ۲- دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی گیلان ۳- سازمان بازنشستگی کشوری (استان گیلان) و به خواسته الزام به احتساب فوق‌العاده شغل موضوع بند ۱۰ ماده ۶۸ فصل دهم قانون مدیریت کشوری و بند ۱۲ ماده ۵۴ آیین‌نامه اداری و استخدامی کارکنان غیر هیأت علمی دانشگاه‌ها و دانشکده‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی و اعمال در حکم بازنشستگی به موجب دادنامه شماره ۱۳۹۶/۱۲/۲۶ - ۹۶۰۹۹۷۰۹۵۷۶۰۱۲۶۴ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

با بررسی اوراق محتویات پرونده در خصوص شکایت شاکی به شرح دادخواست تقدیمی و با توجه به جوابیه طرفین شکایت و نظر به اینکه فوق‌العاده مندرج در بند ۱۰ ماده ۶۸ قانون مدیریت کشوری «فوق‌العاده ویژه در موارد خاص با توجه به عواملی از قبیل بازار کار داخلی و بین‌المللی ریسک‌پذیری تأثیر اقتصادی فعالیتها در درآمد ملی انجام فعالیت و وظایف تخصصی و ستادی و تحقیقاتی و حساسیت کار با پیشنهاد سازمان و تصویب هیأت وزیران امتیاز ویژه‌ای برای حداکثر ۲۵ درصد از مشاغل در برخی از دستگاه‌های اجرایی تا ۵۰ درصد سقف امتیاز حقوق ثابت و فوق‌العاده‌های مستمر مذکور در این فصل در نظر گرفته خواهد شد.» بدون شرط تأمین اعتبار است و با توجه به جوابیه طرف شکایت مبنی بر اینکه استحقاق شاکی را پذیرفته است اما دلیل عدم پرداخت را عدم تأمین اعتبار از ناحیه سازمان یا وزارت متبوع اعلام نموده و نظر به اینکه به موجب آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره‌های ۱۳۷۰/۱۲/۲۰ - ۱۶۴ و ۱۳۸۹/۹/۲۹ - ۳۹۴ - ۱۳۸۹/۹/۲۹ - ۳۹۴ - ۱۳۷۰/۱۲/۲۰ - ۱۶۴ استحقاق شاکی پذیرفته شده فلذا شکایت را صحیح تشخیص و حکم به ورود شکایت و الزام طرف شکایت به پرداخت موضوع خواسته صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره وفق ماده ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری است.

رأی مذکور به موجب رأی شماره ۹۷۰۹۹۷۰۹۵۹۳۰۱۲۸۰ - ۱۳۹۷/۴/۴ - شعبه ۲۳ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۴/۱۱ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

الف: تعارض در آراء محرز است.

ب: اولاً: بر اساس بند ب ماده ۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ کارکنان دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی از حیث مقررات اداری و استخدامی تابع آیین‌نامه‌های مصوب هیأت امانه هستند و از شمول قانون مدیریت خدمات کشوری از جمله دریافت فوق‌العاده ویژه موضوع بند ۱۰ ماده ۶۸ آن و مصوبات هیأت وزیران در این خصوص خارج هستند. ثانیاً: فوق‌العاده ویژه مقرر در بند ۱۰ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری، منحصر به موارد خاص و مشروط به پیشنهاد سازمان و تصویب هیأت وزیران است. هیأت وزیران در خصوص پرداخت فوق‌العاده مزبور به کارکنان دستگاه‌های اجرایی دو مصوبه کلی داشته است. یکی مصوبه شماره ۴۸۷۲۹/ت/۸۳۴۴۷ - ۱۳۹۲/۴/۹ است که به موجب مصوبه دیگر به شماره ۴۸۷۲۹/ت/۱۶ - ۱۳۹۲/۷/۱۶ - ۴۸۷۲۹/ت/۱۶ - ۱۳۹۲/۷/۱۶ به دلیل ایراد رئیس مجلس شورای اسلامی و عدم تأمین بار مالی توسط هیأت وزیران لغو شده است. دیگری مصوبه شماره ۱۳۸۰۹۱/ت/۵۰۰۰ - ۱۳۹۳/۱۱/۱۵ است که حکم

شکایت ضمن بررسی دلایل و مدارک ابرازی از ناحیه طرفین نظر به اینکه مطابق مفاد رأی وحدت رویه شماره ۴۲۷-۴۲۲ - ۱۳۹۰/۱۰/۵ صادره از ناحیه هیأت عمومی دیوان که تغییر پست ثابت سازمانی منجر به تنزل مقام و یا گروه یا عناوین مشابه را ابطال اعلام نموده که برای شعب دیوان و مراجع مربوطه لازم‌الاتباع می‌باشد لذا شکایت مطروحه وارد تشخیص و حکم به ورود شکایت و الزام خواننده به اجابت خواسته خواهان به شرح دادخواست صادر می‌نماید. رأی صادره وفق ماده ۶۵ از قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در شعب تجدیدنظر دیوان می‌باشد.

در اثر تجدیدنظرخواهی از رأی مذکور شعبه ۲۷ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۹۵۶۰۰۲۲۸۶ - ۱۳۹۴/۷/۲۶ چنین رأی صادر کرده است: نظر به اینکه طبق ماده ۱۶ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مدعی تضييع حق در مراجعه به دیوان و برای به قضاوت گذاردن در دیوان یا نبودن ادعا و ترتب آثار قانونی مربوط به آن بایستی در اقامه دعوی با تشریح مبانی حق و مجاری تضييع آن دادخواست تقدیم نماید و این دادخواست به ترتیبی که در ماده ۲۴ قانون مذکور تعیین شده است ثبت می‌شود و چنانچه با رسیدگی به دعوی رأی صادر شود تجدیدنظرخواه که در دادرسی نخستین شرکت داشته در صورتی که از رأی صادره متضرر شده باشد مجاز است طبق ماده ۶۶ قانون دیوان با تقدیم دادخواست که به شعبه صادرکننده رأی یا دبیرخانه یا دفاتر اداری دیوان تسلیم می‌شود تجدیدنظرخواهی نماید از آنجایی که تجدیدنظرخواه به وسیله برگ مخصوص که فرم و شکلی یکنواختی دارد و با رعایت ماده ۶۷ قانون دیوان به این منظور تهیه شده اقدام به تجدیدنظرخواهی ننموده است و شرط اول تجدیدنظرخواهی در دیوان عدالت اداری تنظیم دادخواست است که از شرایط جوهری وزارتخانه به شمار می‌آید بوده و چنانچه برگی این شرایط را نداشته باشد اصولاً نمی‌توان آن را دادخواست شمرد و حتی شایسته ثبت نبوده و به لحاظ عدم شرایط قانونی دادخواست راجع به آن اخطار رفع نقص صادر نمود لذا بنا به جهات فوق امکان طرح پرونده در شعبه تجدیدنظر وجود نداشته و اساساً درخواست تجدیدنظرخواهی قابلیت استماع را ندارد.

د: شعبه ۴۳ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۵۰۹۹۸۰۹۵۷۱۰۱۳۳۴ با موضوع دادخواست آقای سیدعباس میراحمدی بخشایش به طرفیت جمعیت هلال احمر و به خواسته الزام به پرداخت حقوق و مزایای قانونی و ابطال حکم کارگزینی منجر به تنزل پست ردیف سازمانی به موجب دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۹۵۷۱۰۰۸۷۴ - ۱۳۹۶/۸/۱۳ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

هر چند به حکم ماده ۱۱۷ از قانون مدیریت خدمات کشوری احکام مقرر در این قانون قابلیت تسری بر نهادهای عمومی غیر دولتی نداشته و طرف شکایت با این استدلال از عملکرد خویش در تغییر پست سازمانی شاکی از کارشناس مسئولی امور خبری به کارشناس مرمت و نگهداری دفاع نموده است؛ لیکن باید توجه داشت؛ قانونگذار در فصول هشتم و نهم از قانون مذکور، در بیان اصول و قواعد حاکم بر انتصاب، ارتقاء و تغییر پست سازمانی مستخدمین، با نگرشی جامع و معقول، خط سیر مشخص و عام شمول را از باب رعایت حقوق مستخدمین و بیان محدوده اختیارات مسئولین دستگاهها در زمان تراحم این دو حق تبیین داشته است و این قواعد از منظر حقوق اداری بدون توجه به اینکه دستگاه متبوع شاکی مشمول مقررات این قانون می‌باشد یا خیر؛ قابلیت تسری داشته و مراعات آن را ضروری می‌نماید. آنچه که مسلم است؛ مقررات استخدامی مرتبط کارکنان طرف شکایت، به مدیران این دستگاه اجازه رفتار سلیقه‌ای و دلخواهی با کارکنان، بدون ملاحظه مقتضیات اداری و در راستای مرتفع ساختن نیازهای دستگاه بر اساس رعایت غبطه و صلاح مورد حمایت مدیریت مدبر و دوراندیش، جهت نیل به اهداف ناشی از خدمات‌دهی به جامعه هدف را نداده است. در بررسی اسناد و مدارک مرتبط وضعیت رفتار مورد شکایت شاکی، احراز گردید که ایشان دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد در رشته علوم اجتماعی و شاغل در پست سازمانی کارشناس مسئول امور خبری در رشته امور اجتماعی و رشته کارشناس روابط عمومی، که منطبق و مرتبط با نوع تخصص تحصیلات تکمیلی ایشان می‌باشد، بصورت استخدام آزمایشی اشتغال داشته است؛ که در سال ۱۳۹۵ پست سازمانی ایشان به کارشناس مرمت و نگهداری که ذیل رشته آموزشی و پژوهشی و رشته امور فرهنگی است و منطبق با رشته تحصیلی شاکی نمی‌باشد، بدون تنزل رتبه و طبقه شغلی تغییر یافته است. هر چند در بدایت امر چنین به نظر می‌رسد که مادام که این تغییر پست منجر به تغییر طبقه و رتبه شغلی نگردد از اختیارات دستگاه

آیین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم بر ورود شکایت صادر و اعلام می‌دارد. رأی صادره ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر در شعب تجدیدنظر دیوان می‌باشد. در اثر تجدیدنظرخواهی از رأی مذکور شعبه اول تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۹۰۵۶۰۱۸۴۷ - ۱۳۹۶/۸/۱۵ با استدلال زیر رأی مذکور را نقض می‌کند.

در خصوص تجدیدنظرخواهی جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران از دادنامه شماره ۹۲۳ - ۱۳۹۴/۵/۳۱ شعبه دهم بدوی دیوان عدالت اداری که به موجب آن نسبت به خواسته تجدیدنظرخوانده مبنی بر لغو ابلاغ پست سازمانی جدید به شماره ۱۰۸۲/۴۸ - ۱۳۹۱/۷/۳ و ابقاء در پست سازمانی قدیم به شماره ۹ - ۱۳۹۱/۶/۱۵ و اعاده به وضعیت سابق حکم به ورود شکایت صادر شده است. با بررسی مندرجات اوراق پرونده و دقت در متن دادخواستهای بدوی و تجدیدنظر و لایحه دفاعیه و همچنین در تصویر احکام کارگزینی پیوست و مستندات قانونی، نظر به اینکه در اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری و قانون برنامه پنجم توسعه، شورای عالی جمعیت هلال احمر با اختیار قانونی حاصل از ماده ۱۰ قانون اساسنامه جمعیت هلال احمر اصلاحی سال ۱۳۸۲ مجلس شورای اسلامی به موجب مصوبه شماره ۴۰۷۳۲/۲۳/۹۱ - ۱۳۹۱/۵/۱۱ نسبت به تغییر و اصلاح ضوابط ساختار تشکیلاتی و پستهای سازمانی جمعیت هلال احمر اقدام نموده که باعث کاهش پستهای مدیریتی و در نتیجه حذف بعضی پستهای قبلی شده است و در اثر همین تغییرات که به علت مصالح و مقتضیات تشکیلاتی صورت گرفته، پست سازمانی کارشناس مسئول امور خودکفایی که از مشاغل سرپرستی محسوب می‌شود به تجدیدنظرخوانده اختصاص داده شده و برهمین اساس حکم کارگزینی شماره ۱۰۸۲/۴۸ - ۱۳۹۱/۷/۲۳ برای وی صادر شده است که هیچگونه تغییری در رسته شغلی و رشته شغلی وی به وجود نیامده است و با توجه به آراء صادره از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله دادنامه‌های شماره ۱۲ - ۱۳۸۱/۱/۲۵ و شماره ۳۴۹ - ۱۳۸۶/۵/۲۱ در صورتی که تغییر پست سازمانی به خاطر مصالح و مقتضیات اداری صورت گرفته و تغییری در رسته و رشته شغلی و یا طبقه و گروه و رتبه و یا تغییر محل جغرافیایی حاصل نشود از اختیارات دستگاه متبوع می‌باشد علاوه براینکه پستهای مدیریتی، ریاست و معاونت، استحقاقی و اکتسابی نمی‌باشد بلکه انتصابی است و با مقایسه احکام کارگزینی فوق‌الذکر رسته و رشته شغلی تجدیدنظرخوانده تغییر نیافته است علیهذا تجدیدنظرخواهی موجه تشخیص می‌شود و به استناد ماده ۷۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ضمن نقض دادنامه تجدیدنظرخواسته به شماره یادشده، حکم به رد شکایت تجدیدنظرخوانده صادر و اعلام می‌شود. این رأی قطعی است.

ب: شعبه ۱۰ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۲۰۹۹۸۰۹۰۵۰۰۲۶۹۸ با موضوع دادخواست آقای احمد ولی به طرفیت اداره کل منابع انسانی و تحول اداری جمعیت هلال احمر و به خواسته ابطال حکم کارگزینی منجر به تنزل پست و اعاده پست سازمانی قبلی و الزام به پرداخت حقوق و مزایای متعلقه بر اساس سمت قبلی به موجب دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۱۰۰۲۱۵۷ - ۱۳۹۳/۹/۲۵ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

در خصوص شکایت مذکور نظر به اینکه طبق حکم کارگزینی شماره ۱۳/۶۲۴ پست سازمانی شاکی رئیس اداره نظارت بوده که طی حکم کارگزینی شماره ۱۸۸۵/۱۳ سمت کارشناس مسئول طراحی منصوب گردیده که با مقایسه احکام صادره علاوه بر اینکه حقوق شاکی کاهش یافته بلکه سمت کارشناسی تنزل مقام نیز محسوب می‌گردد علیهذا با این وصف شکایت شاکی را وارد تشخیص و به استناد ماده ۲۶ قانون استخدام کشوری و رأی شماره ۴۲۷-۴۲۲ - ۱۳۹۰/۱۰/۲۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری حکم بر ورود شکایت صادر و اعلام می‌دارد رأی صادره ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر در شعب محترم تجدید نظر دیوان می‌باشد.

رأی مذکور به موجب رأی شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۵۵۸۰۱۷۳۳ - ۱۳۹۵/۶/۱۰ شعبه ۸ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

ج: شعبه ۲۷ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۲۰۹۹۸۰۹۰۰۰۸۵۲۰۸ با موضوع دادخواست خانم هما هاشمی به طرفیت سازمان جمعیت هلال احمر و به خواسته اعتراض به تصمیمات و عملکرد طرف شکایت مبنی بر تنزل پست سازمانی به موجب دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۲۷۰۱۴۰۳ - ۱۳۹۳/۷/۲۲ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

در خصوص شکایت شاکی به طرفیت مشتکی عنه به خواسته اعتراض به تنزل پست سازمانی با عنایت به محتویات پرونده و اظهارات خواهان و مفاد لایحه دفاعیه طرف

۳۱۳ - ۱۳۹۴/۶/۳۰ و ۷۵ - ۱۳۹۵/۵/۶ به تأیید هیأت تخصصی اداری و استخدامی دیوان عدالت اداری رسیده، بلامانع دانسته شده است و اصولاً مستفاد از قانون استخدام کشوری (ماده ۲۶ و تبصره آن) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ بند (ج) ماده ۵۴ قانون و ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی آن و آراء وحدت رویه شماره ۱۲ - ۱۳۸۱/۱/۲۵ و ۴۲۲ الی ۴۲۷ - ۱۳۹۰/۱۰/۲۵ و ۲۰۵ - ۱۳۹۱/۴/۱۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری این است که تغییر پست سازمانی و تنزل مقام بنا به مصالح اداری و اقتضات سازمانی مادام که منجر به تغییر در طبقه و رتبه شغلی نگردد از اختیارات دستگاه متبوع مستخدم است و مخالفتی با قانون و منافاتی با وظایف و اختیارات هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری ندارد، بنابراین رأی به رد شکایت به شرح مندرج در گردش کار صحیح و موافق مقررات قانونی است. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مرتضی علی اشراقی

شماره ۹۷۰۱۹۸۱

۱۳۹۸/۵/۵

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۷۹۱ مورخ ۱۳۹۸/۴/۱۸ با موضوع: «تعلق مستمری ورثه اناث متوفی از تاریخ فوت مورث است» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۴/۱۸ شماره دادنامه: ۷۹۱ کلاسه پرونده: ۱۹۸۱/۹۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

اعلام‌کننده تعارض: خانم مریم عنایت راد

موضوع: اعلام تعارض در آراء صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: شاکیان پرونده‌های مورد تعارض، همگی افرادی هستند که مورث آنها کارگر و بیمه شده تأمین اجتماعی بوده و بازماندگان به دلیل فوت همسرانشان به شعب آن سازمان مراجعه تا مستمری دریافت نمایند لیکن به دلیل عدم پرداخت کامل حق بیمه توسط کارفرما سازمان تأمین اجتماعی نسبت به برقراری مستمری اقدام ننموده است. شاکیان ناگزیر بدو به هیأت‌های موضوع ماده ۱۵۷ قانون کار مراجعه و هیأت‌های مذکور رأی به محکومیت کارفرما به پرداخت حق بیمه در وجه صندوق تأمین اجتماعی صادر نموده‌اند. سپس با تقدیم دادخواست در دیوان عدالت اداری به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی دعوایی به خواسته الزام به وصول بیمه و برقراری مستمری مطرح و شعب دیوان حکم به ورود شکایت صادر کرده‌اند. در همین راستا سازمان تأمین اجتماعی از تاریخ وصول حق بیمه اقدام به برقراری مستمری نموده ولی شکات مجدداً با تقدیم دادخواست در دیوان عدالت اداری تقاضای برقراری مستمری از تاریخ فوت همسرانشان را نموده‌اند. بر این اساس بعضی از شعب حکم به ورود شکایت و برقراری مستمری از زمان فوت و بعضی دیگر با استدلال متفاوت حکم به ورود شکایت از تاریخ شکایت و در واقع حکم به رد شکایت از تاریخ فوت نموده‌اند.

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه ۱۲ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۱۰۹۹۸۰۹۰۰۲۲۲۹۹ با موضوع دادخواست خانم سودابه امینی باغبادرانی به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی و به خواسته عدم قبول کارکرد از تاریخ ۱۳۸۵/۷/۱ تا ۱۳۸۵/۸/۳۰ و ۱۳۸۵/۱۲/۱ تا ۱۳۸۵/۱۲/۱۸ به مدت ۸۷ روز با توجه به پذیرش و احراز کارکرد در اداره کار زنجان به موجب دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۱۲۰۲۲۲۸ - ۱۳۹۱/۷/۳۰ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

نظر به اینکه به موجب دادنامه شماره ۳۴۴ - ۱۳۸۷/۶/۳۰ هیأت تشخیص اداره کار و امور اجتماعی زنجان ضمن احراز رابطه کارگری و کارفرمایی فی مابین شاکی و کارفرمایش رستوران پامچال کارفرما به تجویز ماده ۱۴۸ قانون کار به پرداخت حق بیمه ایام اشتغال از تاریخ ۱۳۸۵/۷/۱ تا ۱۳۸۵/۸/۳۰ و ۱۳۸۵/۱۲/۱ تا ۱۳۸۵/۱۲/۱۸ به

متبوع مستخدم می‌باشد و با تغییر پست شاکی، طبقه و رتبه شغلی تغییر پیدا ننموده و حقوق و مزایای نامبرده - به جز حق مدیریت که از لوازم پست مدیریت می‌باشد - کاهش نیافته است؛ لیکن باید توجه داشت که این تغییر پست سازمانی اولاً از کارشناس مسئولی به کارشناسی تنزل پست بوده و ثانیاً پست جدید منطبق با تخصص تحصیلات تکمیلی شاکی نبوده و خود مبین تضییع حقوق مستخدم در امکان بهره‌مندی از تخصص و به کارگیری علم تحصیلی، در راستای ارتقاء در سنوات آتی اشتغال بر اساس مقررات مذکور در فصل ۹ از قانون مذکور بوده و مضاف بر آن به حکم قسمت اخیر آراء وحدت رویه شماره‌های ۴۲۲ الی ۴۲۷ سال ۱۳۹۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، با تسک به اختیار مدیر مردود می‌باشد. بنائاً علیهذا به جهت عدم احراز وقوع رفتار متضمن مقتضیات و مرتفع‌کننده نیاز اداره متبوع شاکی در تغییر پست سازمانی وی و تضییع حق ایشان در برخورداری از یک مدیریت شایسته قانون مدار و امنیت شغلی و با در نظر گرفتن نوع استخدام شاکی، که در متن حکم کارگزینی آزمایشی قید گردیده است و احکام حاکم بر مستخدمین آزمایشی با لحاظ علت استخدام آزمایشی، که اجازه بررسی کارایی، توانمندی و شایستگی یا ناکارآمدی مستخدم را به مدیریت دستگاه اعطاء نموده است و شایسته است طرف شکایت در زمان قانونی، بر این اساس نسبت به تعیین تکلیف و جایگاه اداری مستخدم اقدام نموده و اقدام فعلی ایشان با فلسفه استخدام آزمایشی همسو نبوده است، به استناد مقررات مذکور و مواد ۱۰، ۱۱، ۵۸ و ۶۵ از قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم به ورود شکایت و الزام طرف شکایت بر به کارگیری شاکی در پست سابق با پرداخت کلیه حقوق متعلق صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره ظرف بیست روز پس از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در شعب تجدیدنظر دیوان می‌باشد.

در اثر تجدیدنظرخواهی از رأی مذکور شعبه ۲۴ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به‌موجب دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۰۹۵۵۲۰۰۹۴۲ - ۱۳۹۷/۳/۶ با استدلال زیر رأی مذکور را نقض می‌کند:

با توجه به آراء هیأت عمومی شماره ۴۲۲ الی ۴۲۷ - ۱۳۹۰/۱۰/۵ و ۱۲ - ۱۳۸۸/۱/۲۵ و ۳۱ - ۱۳۸۸/۱/۳۰ و ۱۲ - ۱۳۸۸/۱/۲۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تغییر پست سازمانی بدون تنزل مقام و گروه از اختیارات مدیریت دستگاه متبوع بوده که حسب مقتضیات اداری صورت می‌پذیرد لذا با توجه به عدم تغییر رتبه و گروه شاکی در تغییرات پست سازمانی تجدیدنظرخواهی را وارد تشخیص و در اجرای ماده ۷۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری رأی تجدیدنظر خواسته نقض و حکم به رد شکایت شاکی صادر می‌شود. این رأی قطعی است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۴/۱۱ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

الف: تعارض در آراء محرز است.

ب: بر اساس ماده ۲۳ قانون اساسنامه جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۷/۲/۸ امور استخدامی کارکنان اداری ثابت و حقوق‌بگیر جمعیت، تابع قوانین و مقررات قانون استخدام کشوری است و برابر حکم مقرر در ماده ۲۶ قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۵ تنها در موارد عادی، تغییر پست سازمانی که منجر به تغییر رسته مستخدمین می‌شود بدون رضایت آنان ممنوع اعلام شده است و در تبصره ذیل ماده ۲۶ قانون مذکور به رؤسای ادارات و مقامات بالاتر اجازه داده شده است در صورت اقتضاء بتوانند با تصویب وزیر یا رئیس مؤسسه دولتی مربوط مستخدم را با داشتن شرایط لازم در رسته دیگر به خدمت بگمارند. حال از آنجایی که شورای عالی سازمان جمعیت هلال احمر با استفاده از اختیارات قانونی مندرج در بند ۴ قسمت (ب) ماده ۱۰ اساسنامه جمعیت هلال احمر به موجب مصوبه شماره ۴۰۷۳۲/۲۳/۱۱ - ۱۳۹۸/۵/۱۱، سازمان را مکلف به تغییر ساختار و حذف ۲۰٪ پستهای سازمانی و مدیریتی کرده است و در اجرای این مصوبه قانونی، تعداد پست‌های مدیریتی از ۶۰ پست به ۲۴ پست کاهش یافته است و در تغییر پستهای سازمانی شاکیان پرونده‌های موضوع تعارض رسته، طبقه و رتبه شغلی آنان تغییری پیدا نکرده است و حقوق آنان نیز به جز فوق‌العاده مدیریت که از لوازم و اقتضات پست مدیریتی است کاهش نیافته است و کاهش در فوق‌العاده مدیریت و امتیازات سرپرستی همان گونه که در بند ۲ بخشنامه شماره ۱۰۳۳۶/۹۳/۲۰ - ۱۳۹۳/۷/۳۰ معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهور آمده و این بخشنامه به موجب دادنامه‌های شماره

سازمان تأمین اجتماعی محکومیت حاصل نموده و مشتکی عنه نیز دفاع موجه و مؤثری به عمل نیاورده لذا شکایت مطروح وارد و ثابت تشخیص مستنداً به ماده ۱۴ قانون دیوان عدالت اداری و رأی وحدت رویه شماره ۸۵۳ - ۱۳۸۷/۱۲/۱۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری حکم به ورود شکایت صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره مستنداً به ماده ۷ قانون دیوان عدالت اداری قطعی است.

رأی مذکور به علت عدم تجدیدنظرخواهی قطعیت یافته است.

ب: شعبه ۱۷ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۱۰۹۹۸۰۹۰۰۰۳۴۳۴۸ با موضوع دادخواست خانم مریم عنایت راد به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی و به خواسته الزام سازمان به وصول حق بیمه به استناد رأی اداره کار مبنی بر اشتغال به کار از ۱۳۷۷/۱/۱ تا ۱۳۷۸/۲/۱۱ و برقراری مستمری جهت بازماندگان از تاریخ ۱۳۷۸/۲/۱۱ (تاریخ فوت) به موجب دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۱۷۰۳۲۷۵ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

اولاً: درخصوص شکایت و خواسته خانم مریم عنایت راد به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی شعبه ۳ اصفهان دائر بر اخذ و وصول حق بیمه معوقه مورث نامبرده از کارفرمای کارگاه صحافی پیمان آقای خرمیان فرد اگر چه در ماده ۳۹ قانون تأمین اجتماعی قید گردیده کارفرما مکلف است حق بیمه مربوط به هرماه را حداکثر تا آخرین روز ماه بعد به سازمان بپردازد ولیکن حقیقت امر این است که مکلف کردن کارفرما به پرداخت حق بیمه در مدت فوق در جهت تأمین حقوق کارگر است بنابراین اهمال کارفرما در پرداخت حق بیمه کارگر در موعد مقرر نمی‌تواند موجب تضییع حقوق کارگر و عدم قبولی با مطالبه سازمان در مراحل بعدی باشد از آنجا سابقه اشتغال شاکی در کارگاه صحافی پیمان در فاصله زمانی مورد نظر در رأی هیأت تشخیص اداره کار مطرح پس از احراز رابطه کارگری و کارفرمایی منتهی به صدور رأی شماره ۸۳۴۷ - ۱۳۸۸/۷/۲۰ مبنی بر الزام کارفرما به اجرای ماده ۱۴۸ قانون کار و تکلیف مقرر در آن نسبت به بیمه نمودن کارگر فوق و پرداخت حق بیمه گردیده است و رأی از یک مرجع قانونی شبه قضایی بوده دلیلی هم بر بطلان آن اقامه نگردیده به علاوه اینکه متوفی از تاریخ ۱۳۷۷/۱/۱ تا ۱۳۷۸/۲/۱۰ وارد تشخیص و به استناد رأی شماره ۲۹-۳۰ مورخ ۱۳۸۶/۱/۲۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری حکم به ورود شکایت و الزام سازمان طرف شکایت به مطالبه وصول حق بیمه معوقه مورث شاکی با رعایت مفاد و مقررات مواد ۳۰ الی ۴۲ قانون تأمین اجتماعی بر اساس رأی اداره کار فوق الاشعار و احتساب آن به عنوان سابقه پرداخت حق بیمه متوفی صادر و اعلام می‌گردد.

ثانیاً: در مورد برقراری مستمری نظر به اینکه با تجمیع سوابق قبلی متوفی و ایام درج شده در رأی هیأت تشخیص به متوفی واجد شرایط موضوع بند ۳ ماده ۸۰ قانون تأمین اجتماعی گردیده است بنابراین شکایت در این قسمت نیز وارد تشخیص گردید و رأی به ورود شکایت و برقراری مستمری جهت بازماندگان از تاریخ طرح شکایت در اداره کار (شهریور سال ۱۳۸۸) صادر و اعلام می‌گردد و خواسته شاکی نسبت به ایام قبل از آن غیر ثابت تشخیص گردید و محکوم به رد است. رأی اصداری به استناد ماده ۷ قانون دیوان عدالت اداری قطعی است.

ج: شعبه ۶۶ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۴۰۹۹۸۰۹۰۱۶۰۲۶۵۷ با موضوع دادخواست خانم عالیه یارعلی به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی و به خواسته درخواست وقوع تخلف سازمانی و پرداخت مستمری معوقه بازماندگان از تاریخ فوت ۱۳۹۰/۸/۱۴ تا ۱۳۹۴/۵/۲۶ به موجب دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۰۱۶۰۰۲۶۳ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

نظر به اینکه آراء هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف در خصوص اعمال ماده ۱۴۸ قانون کار و آراء قطعی دیوان عدالت اداری در مورد احتساب سابقه و برقراری مستمری جنبه کاشفیت از واقعیت داشته و عدم پرداخت حق بیمه از ناحیه کارفرما در زمان مقرر نمی‌تواند سبب تضییع حقوق کارگر و بازماندگان وی گردد لذا شکایت مطروحه وارد تشخیص و به استناد مواد ۱۰، ۱۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم به ورود شکایت و پرداخت مستمری بازماندگان از تاریخ فوت صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره به استناد ماده ۶۵ قانون مرقوم ظرف مهلت ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در شعب تجدیدنظر دیوان می‌باشد.

رأی مذکور به موجب رأی شماره ۹۶۰۹۹۷۰۹۵۵۶۰۰۰۳۶ - ۱۳۹۶/۱/۱۶ شعبه ۱۵ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

د: شعبه ۶۶ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۴۰۹۹۸۰۹۰۱۶۰۱۹۰۴ با موضوع دادخواست خانم بتول عابدی مدیسه به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی و به خواسته احتساب سابقه بیمه‌ای ۱۳۸۸/۳/۳۰ تا ۱۳۸۹/۶/۳۱

طبق دادنامه شماره ۴۵۵ - ۱۳۹۴/۴/۱۵ هیأت تشخیص و برقراری مستمری از تاریخ فوت و احراز وقوع تخلف به موجب دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۹۰۱۶۰۳۹۰۳ - ۱۳۹۴/۱/۱۳ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

با عنایت به ماده ۱۴۸ قانون کار مبنی بر الزام کارفرمایان کارگاههای مشمول قانون مزبور به بیمه کردن کارگران خود و توجهاً به اینکه احراز رابطه کارگری و کارفرمایی بین اشخاص بر اساس مادتين ۲ و ۳ قانون مذکور و احراز مدت رابطه کارگزینی بین طرفین به حکم قانون در صلاحیت مراجع حل اختلاف کارگر و کارفرما است و آراء مزبور به موجب مفاد دادنامه شماره ۲۹-۳۰ مورخ ۱۳۸۶/۱/۲۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری برای سازمان تأمین اجتماعی لازم‌الاجرا بوده و با عنایت به وظایف و مسئولیت‌های اصولی سازمان تأمین اجتماعی در باب تعمیم و گسترش انواع بیمه‌های اجتماعی و استقرار نظام هماهنگ و تناسب با برنامه‌های تأمین اجتماعی و شمول قانون تأمین اجتماعی به افرادی که به هر عنوان در مقابل دریافت مزایا حقوق کار می‌کنند و توجهاً به اینکه شمول مقررات قانون تأمین اجتماعی در باب کارکنان مشمول از بدو ورود به خدمت است و با التفات به اینکه به موجب رأی شماره ۴۵۵ - ۱۳۹۴/۴/۱۵ هیأت تشخیص اداره کل کار و امور اجتماعی اشتغال آن مرحوم در نزد کارفرمایش از تاریخ ۱۳۸۸/۳/۳۰ تا ۱۳۸۹/۶/۳۱ و عدم پرداخت حق بیمه این مدت به سازمان تأمین اجتماعی احراز گردیده و با وصف اشتغال همسر شاکی طی این مدت و عدم پرداخت حق بیمه و عدم احتساب آن در سنوات پرداخت حق بیمه خلاف مقررات آمره تأمین اجتماعی بوده و موجب تضییع حق مشارالیه است و ایضاً با احتساب این مدت در سنوات پرداخت حق بیمه شرایط مقرر در بند ۳ ماده ۸۰ قانون تأمین اجتماعی نیز محقق می‌گردد لذا با توجه به مراتب به تجویز بند الف ماده ۴ قانون تأمین اجتماعی و آراء ۵۱۸ و ۵۱۷ - ۱۳۸۶/۷/۱۵ و ۶۷۸ - ۱۳۸۶/۸/۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری حکم بر الزام اداره کل تأمین اجتماعی استان اصفهان نسبت به احتساب این مدت در سنوات پرداخت حق بیمه وی و برقراری مستمری بازماندگان از تاریخ فوت صادر و اعلام می‌گردد. این رأی ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد.

رأی مذکور به موجب رأی شماره ۱۷۳۲ - ۹۵۰۹۹۷۰۹۵۵۷۰۰۳۶۳ - ۱۳۹۵/۷/۲۴ شعبه ۳ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

ه: شعبه ۵۲ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۴۰۹۹۸۰۹۰۱۲۰۱۳۴۰ با موضوع دادخواست خانم فاطمه شاهرزایی زفره به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی و به خواسته الزام خواننده به پرداخت معوقه مستمری از تاریخ ۱۳۸۴/۹/۱۶ تا ۱۳۹۴/۵/۱۷ به موجب دادنامه شماره ۱۴۶۳ - ۹۵۰۹۹۷۰۹۰۱۲۰۱۴۶۳ - ۱۳۹۵/۱۱/۲۳ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

در خصوص شکایت خانم فاطمه شاهرزایی به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی اصفهان - کوهپایه به خواسته الزام خواننده به پرداخت مستمری شوهر از مورخ فوت تا زمان دریافت مستمری (۱۳۸۴/۹/۱۶ تا ۱۳۹۴/۵/۱۷) با توجه به مفاد دادخواست تقدیمی و ضمائ آن نظر به اینکه خواننده علی‌رغم ابلاغ نسخه ثانی دادخواست لایحه دفاعیه ارسال ننموده است و شکایت شاکی بدون ایراد باقی مانده و با توجه به اینکه برابر دادنامه شماره ۲۲۲۸ - ۱۳۹۱/۷/۳۰ شعبه ۱۲ دیوان سازمان محکوم به پرداخت مستمری در حق شاکی شده لیکن از زمان قطعیت دادنامه فوق‌الاشعار مستمری برقرار گردیده که می‌بایست از زمان فوت متوفی مستمی [مستمری] پرداخت می‌شد زیرا رأی دیوان جنبه کاشفیت از حق شاکی از زمان فوت مورث داشته لذا خواسته شاکی وارد است مستنداً به مواد ۱۰، ۱۱ و ۶۵ قانون دیوان و ماده ۸۰ قانون تأمین اجتماعی حکم به ورود شکایت و الزام خواننده به اجابت خواسته مشارالیه صادر و اعلام می‌گردد. این رأی ظرف ۲۰ روز پس ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در شعب دیوان عدالت اداری می‌باشد.

رأی مذکور به موجب رأی شماره ۹۶۰۹۹۷۰۹۵۶۹۰۰۳۶۳ - ۹۶۰۹۹۷۰۹۵۷۴۰۰۳۶۳ - ۱۳۹۶/۵/۲۲ شعبه ۲۰ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

و: شعبه ۵۸ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۳۰۹۹۸۰۹۵۷۴۰۰۲۳۰ با موضوع دادخواست خانم مهری عالی‌پور به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی و به خواسته الزام تأمین اجتماعی به پرداخت مستمری معوقه بازماندگان از تاریخ فوت و احراز وقوع تخلف به موجب دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۹۵۷۴۰۰۱۹۹۶ - ۱۳۹۴/۹/۱۱ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

در خصوص شکایت خانم مهری عالی‌پور به شرح دادخواست تقدیمی، با توجه به اوراق پرونده نظر به اینکه مطابق اظهارات شاکیه پرداخت حق بیمه به سازمان طرف شکایت با ۱۴

ماه تأخیر انجام گردید و قبل از پرداخت حق بیمه متوفی همسر شاکي مرحوم حسين ساعدي سازمان تأمین اجتماعی تکلیفی در محاسبه و پرداخت مستمری نداشت بنابراین وقوع تخلف ادعایی شاکي محرز نمی‌باشد حکم به رد شکایت صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری است.

در اثر تجدیدنظرخواهی از رأی مذکور شعبه ۱۵ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۰۹۵۵۶۰۱۹۶۴ - ۱۳۹۶/۷/۱۰ با استدلال زیر چنین رأیی صادر کرده است:

با عنایت به محتویات پرونده نظر به اینکه دادنامه ۱۳۹۴/۹/۱ - صادره از شعبه ۴۹ بدوی دیوان طی دادنامه ۸۹۵ - ۱۳۹۵/۳/۸ صادره از شعبه ۵ تجدیدنظر سابق اظهار نظر گردیده و به لحاظ اینکه خارج از مهلت مقرر قانونی نسبت به دادنامه معترض عنه اعتراض گردیده است به استناد [ماده] ۶۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ قرار رد دادخواست صادر گردیده است که متعاقب آن درخواست اعمال ماده ۷۹ قانون مذکور به عمل آمده است نظر به اینکه رأی شعبه تجدیدنظر دیوان به صورت صحیح انشاء گردیده (ابلاغ دادنامه بدوی مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۵ و تجدیدنظرخواه ۱۳۹۴/۱/۱ خارج از مهلت ۲۰ روزه بوده است) و شاکي نیز دلیل و مدرکی که حاکی از داخل مهلت بودن دادخواست تقدیمی را ارائه و اعلام ننموده است صرف اعلام اشتباه در دادنامه مذکور به لحاظ عدم ارائه دلیل و مدرک موجبات رسیدگی را فراهم نمی‌نماید.

بنا به مراتب مذکور به لحاظ عدم پذیرش درخواست اعمال ماده ۷۹ قرار رد صادر و اعلام می‌نماید. این رأی قطعی است.

ز: شعبه ۵۸ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۴۰۹۹۸۰۹۵۷۴۰۰۹۵۱ با موضوع دادخواست خانم زهرا جهانگیری سربیشه به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی و به خواسته اجرای رأی هیأت تشخیص اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی مبنی بر دریافت حق بیمه متوفی و برقراری مستمری وراثت قانونی از تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۱۰ به موجب دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۵۷۴۰۰۹۸۱ - ۱۳۹۵/۷/۷ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

در خواسته خواهان (شاکي) خانم زهرا جهانگیری سربیشه به شرح دادخواست تقدیمی الزام سازمان به اخذ حق بیمه از کارفرما و احتساب سابقه متوفی در مدت اعلام می‌باشد که با عنایت به محتوای پرونده اظهارات اصحاب دعوی و مستندات ابرازی اولاً: هیأت تشخیص اداره کار به عنوان یک مرجع قانونی و متولی امور کارگری طی رأی شماره ۱/۱۰ هیأت تشخیص اداره کار ۱۳۹۴/۱/۲۳ اشتغال به کار مورث شاکي را در مدت ذکر شده احراز نمود ثانیاً: هر شخصی حقی دارد از مزایای ایام اشتغال خود بهره‌مند گردد. ثالثاً: تأخیر یا عدم پرداخت حق بیمه رافع مسئولیت سازمان در قبال بیمه شده (کارگر) نمی‌باشد به علاوه اینکه اظهارات سازمان جهت رد تقاضای شاکي کافی نمی‌باشد بنابراین با احراز حقانیت شاکي و مستنداً به رأی شماره ۲۹-۳۰ مورخ ۱۳۸۶/۱۱/۲۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری و مواد ۱۴۸ قانون کار و ۳۶ و ۳۹ قانون تأمین اجتماعی و ۱۰ و ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری رأی به ورود شکایت و الزام سازمان به اخذ حق بیمه از کارفرما و احتساب سابقه متوفی صادر و اعلام می‌گردد. ۲- در مورد برقراری مستمری جهت بازماندگان متوفی نظر به اینکه با تجمیع سوابق درج شده در رأی اداره کار و لیست پرداخت حق بیمه، شاکي واجد شرایط دریافت مستمری می‌باشد بنابراین مستنداً به بند ۳ ماده ۸۰ قانون تأمین اجتماعی و ۱۰ و ۶۵ قانون مذکور رأی به ورود شکایت و برقراری مستمری جهت بازماندگان متوفی صادر و اعلام می‌گردد. رأی اصداری ظرف مدت ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد.

رأی مذکور به موجب رأی شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۵۵۶۰۳۵۶۴ - ۱۳۹۵/۱۱/۲۳ شعبه ۱۵ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۴/۱۸ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

الف - تعارض در آراء محرز است.

ب - بر اساس مواد ۲، ۳۶، ۴۹ و ۵۰ قانون تأمین اجتماعی، پرداخت حق بیمه از مطالبات ممتاز سازمان تأمین اجتماعی است و کارفرما مسئول پرداخت حق بیمه است و

تأخیر در پرداخت حق بیمه موجب تضییع حقوق بازماندگان نخواهد شد. ضمناً ماده ۵۰ قانون مذکور و آرای صادر شده از هیأت‌های حل اختلاف کار لازم‌الاتباع بوده و کاشف از تعلق مستمری به شاکي از تاریخ فوت مورث می‌باشد، اعم از اینکه حق بیمه در گذشته یا حال حاضر یا در آینده پرداخت شود. بنا به مراتب آراء صادر شده به وارد دانستن شکایت و تعلق مستمری به بازماندگان از تاریخ فوت به شرح مندرج در گردش کار صحیح و موافق مقررات تشخیص شد. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مرتضی علی اشراقی

شماره ۹۸۰۱۳۱۹

۱۳۹۸/۵/۹

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۷۹۳ مورخ ۱۳۹۸/۴/۲۵ با موضوع: «کمیسوینهای پزشکی واجد صلاحیت برای تعیین تاریخ ابتلاء به بیماری می‌باشند» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۴/۲۵ شماره دادنامه: ۷۹۳ شماره پرونده: ۱۳۱۹/۹۸

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

اعلام‌کننده تعارض: مدیرکل دفتر امور حقوقی و دعاوی سازمان تأمین اجتماعی

موضوع: اعلام تعارض در آراء صادر شده از شعب دیوان عدالت اداری

گردش کار: شعب دیوان عدالت اداری در رسیدگی به دادخواست‌هایی با موضوع «اعتراض به رأی کمیسیون پزشکی از حیث تعیین تاریخ شروع بیماری» آرای معارض صادر کرده‌اند.

گردش کار پرونده‌ها و مشروح آراء به قرار زیر است:

الف: شعبه ۱۷ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده‌های شماره ۹۳۰۹۹۸۰۹۰۱۷۰۰۹۹۵، ۹۳۰۹۹۸۰۹۰۰۸۶۹۳۴ و ۹۲۰۹۹۸۰۹۰۰۰۷۵۵۶۷ با موضوع دادخواست آقایان ناصر صفاجو، یونس حبیبی و اسماعیل تربتی به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی و به خواسته اعتراض به رأی کمیسیون پزشکی به موجب دادنامه‌های شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۰۱۷۰۰۳۷۵ - ۱۳۹۵/۲/۱۵، ۹۴۰۹۹۷۰۹۰۱۷۰۰۳۳۳ - ۱۳۹۴/۲/۶ و ۹۳۰۹۹۷۰۹۰۱۷۰۰۱۱۵۸ - ۱۳۹۳/۵/۱۹ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

با عنایت به محتویات پرونده و اظهارات طرفین دعوی بشرح دادخواست و لایحه تقدیمی و نظریه کمیسیون پزشکی و سایر مستندات پیوست نظر به اینکه با صدور رأی شماره ۷۹ - ۱۳۸۵/۲/۱۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری موضوع تاریخ شروع بیماری از رأی شماره ۶۱ - ۱۳۷۷/۳/۲۳ هیأت مستثنی گردید و قابل امعان نظر قضایی است و با توجه به اینکه مراد و مقصود قانونگذار از تاریخ شروع و شدت بیماری زمانی است که بیمه شده قادر به کار و فعالیت نباشد در حالی که اشتغال و بیمه‌پردازی شاکي پس از تاریخ تعیین شده ادامه داشته است بنابراین تاریخ شروع بیماری تعیین از ناحیه کمیسیون مخدوش و شکایت طرح شده وارد تشخیص گردید و مستنداً به آراء ذکر شده و مواد ۹۱ قانون تأمین اجتماعی و ۱۰ و ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری رأی به ورود شکایت و ابطال نظریه کمیسیون از جهت تاریخ شروع بیماری و طرح و بررسی مجدد در کمیسیون با رعایت مقررات مربوط و حقوق قانونی شاکي صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی است.

رأی مذکور به موجب آراء شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۵۵۶۰۰۱۶۰ - ۱۳۹۵/۵/۱۸، ۹۵۰۹۹۷۰۹۵۵۶۰۰۱۰۷ و ۹۵۰۹۹۷۰۹۵۵۶۰۰۱۲۷۶ - ۱۳۹۵/۴/۲۳ در شعب ۱۶ و ۶ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

ب: شعبه ۴۹ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۲۰۹۹۸۰۹۰۰۰۷۶۰۸۱ با موضوع دادخواست آقای امیرعادل روئین تن اصفهانی به طرفیت سازمان بیمه تأمین اجتماعی و به خواسته اعتراض به رأی کمیسیون پزشکی تأمین اجتماعی

صلاحیت کمیسیون پزشکی می‌باشد لذا با تعیین تاریخ ۱۳۹۰/۴/۷ (تاریخ آنژیوگرافی) به عنوان تاریخ ابتلا بیماری منجر به از کارافتادگی نظریه کمیسیون تجدیدنظر پزشکی در باب تعیین تاریخ ۱۳۸۴/۳/۲۸ ابطال می‌گردد. رأی صادره شده قطعی است.

و: شعبه ۱۶ دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۴۰۹۹۸۰۹۰۱۶۰۲۷۲۸ با موضوع دادخواست آقای سیدمحمد ساداتی به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی و به خواسته ابطال آراء کمیسیونهای بدوی و تجدیدنظر به لحاظ تعیین زمان از کارافتادگی و شروع بیماری به موجب دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۰۱۶۰۲۳۹۵ - ۱۳۹۵/۱۱/۲۳ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

هر چند کمیسیون پزشکی، شاکی آقای سید محمد ساداتی را از کار افتاده کلی تشخیص داده و تاریخ ابتلاء بیماری منجر به از کار افتادگی وی را مشخص نموده است لکن شاکی دلیل، مدرک و مستندی که بیانگر تاریخ از کار افتادگی کلی وی غیر از آنچه که در نظریه کمیسیون پزشکی ذکر شده است باشد ارائه ننموده است و اینکه با استناد به رأی شماره ۷۹ - ۱۳۸۵/۱۲/۱۷ [۱۳۸۵/۲/۱۷] هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مدعی شده که کمیسیون پزشکی حق تعیین تاریخ را ندارد استنباط صحیحی از رأی مزبور نبوده زیرا به موجب رأی ۶۱ - ۱۳۷۷/۳/۲۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری کلیه آراء کمیسیونهای پزشکی قابل اعتراض و شکایت در دیوان عدالت اداری نبوده که به موجب رأی ۷۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری کلمه تاریخ از رأی مزبور حذف شده و هر فرد بیمه پردازی که مدعی از کار افتادگی کلی بوده لکن تاریخ مذکور در رأی کمیسیون پزشکی سبب شده وی شرایط ماده ۷۵ قانون تأمین اجتماعی را احراز نکند می‌تواند با ارائه دلایل و مستندات نسبت به رأی کمیسیون پزشکی صرفاً از حیث تاریخ در دیوان شکایت نماید، لذا کمیسیونهای پزشکی حق تعیین تاریخ را داشته‌اند و چنین حقی از این مرجع توسط رأی هیأت عمومی دیوان گرفته نشده است و اگر تاریخی برای از کار افتادگی کلی تعیین شود اصولاً احراز شرایط ماده ۷۵ قانون تأمین اجتماعی مقدور نیست و تعیین تاریخ توسط پزشکان کمیسیون پزشکی که متخصص بوده و کار کارشناسی انجام می‌دهند امری منطقی، عقلایی، فنی می‌باشد و در این پرونده نیز شاکی دلیل، مستندی ارائه ننموده است، لذا شعبه شکایت را غیر موجه و حکم به رد آن صادر و اعلام می‌نماید. رأی صادره به استناد ماده ۶۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در شعب تجدیدنظر دیوان می‌باشد.

رأی مذکور به موجب رأی شماره ۹۶۰۹۹۷۰۹۵۶۲۰۳۱۸۳ - ۱۳۹۶/۷/۲۳ شعبه ۱۶ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۴/۲۵ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

الف: تعارض در آراء محرز است.

ب: مطابق رأی شماره ۶۱ - ۱۳۷۷/۳/۲۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، نظر کمیسیون پزشکی سازمان تأمین اجتماعی در باب بیماری، نوع و تاریخ آن امری است فنی و تخصصی که امعان نظر قضایی در زمینه اعتبار ماهوی آن وجه قانونی ندارد که به دنبال اعتراض بیست نفر از قضات دیوان عدالت اداری نسبت به رأی مذکور، موضوع مجدداً در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مطرح شد و هیأت عمومی به موجب رأی شماره ۷۹ - ۱۳۸۵/۲/۱۷ با حذف کلمه «تاریخ» از متن رأی شماره ۶۱ - ۱۳۷۷/۳/۲۳ صرفاً تعیین بیماری و نوع آن را فنی و غیر قابل امعان نظر قضایی دانسته و نظر کمیسیون پزشکی سازمان تأمین اجتماعی در تعیین تاریخ ابتلاء به بیماری را امری غیر فنی و قابل امعان نظر اعلام کرده است. علاوه بر آن دادنامه شماره ۷۹ - ۱۳۸۵/۲/۱۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، متضمن صلاحیت فنی کمیسیونهای پزشکی در تعیین تاریخ بیماری نبوده و صرفاً مبین قابلیت امعان نظر قضایی آرای کمیسیونهای مزبور در تعیین تاریخ بیماری توسط شعب دیوان عدالت اداری و با اختیارات حاصله از ماده ۶۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری می‌باشد. بنابراین اولاً: کمیسیونهای پزشکی سازمان تأمین اجتماعی، واجد صلاحیت در تعیین تاریخ ابتلاء به بیماری هستند و ثانیاً: آرای کمیسیونهای مزبور در تعیین تاریخ ابتلاء به بیماری، مطابق ماده ۶۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری قابل امعان نظر قضایی در شعب دیوان عدالت اداری است و لذا چنانچه رأی کمیسیون در تشخیص تاریخ بیماری توسط شعبه دیوان عدالت

به موجب دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۹۵۷۴۰۰۶۳۰ - ۱۳۹۴/۳/۱۹ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

در خصوص شکایت امیر عادل روئین تن اصفهانی با توجه به مجموع اوراق پرونده و نظر به وقوع حادثه و بیماری شاکی که منجر به از کار افتادگی گردید و نظر به اینکه در رأی شماره ۷۹ - ۱۳۸۵/۲/۱۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری موضوع تاریخ بیماری از رأی شماره ۶۱ - ۱۳۷۷/۳/۲۳ هیأت مذکور مستثنی گردید و قابل امعان نظر قضایی است و از طرفی مراد قانونگذار نسبت به تاریخ بیماری زمانی است که بیمه شده قادر به فعالیت شغلی نمی‌باشد، بنابراین تاریخ تعیین شده از سوی کمیسیون پزشکی مخدوش است ضمن نقض نظریه در خصوص تاریخ شروع بیماری به استناد ماده ۶۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری حکم به ورود شکایت و ارجاع امر به کمیسیون موصوف و طرح و بررسی مجدد مدارک پزشکی شاکی و سپس اعلام نظر از جهت تاریخ شروع بیماری صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری است.

رأی مذکور به موجب رأی شماره ۹۲۰۹۹۸۰۹۰۰۷۶۰۸۱ - ۱۳۹۵/۴/۲ شعبه ۳ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

ج: شعبه ۱۲ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۳۰۹۹۸۰۹۰۱۲۰۰۸۵۸ با موضوع دادخواست خانم زهرا مالکی به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی و به خواسته ابطال نظریه کمیسیون پزشکی به موجب دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۹۰۱۲۰۲۰۴۵ - ۱۳۹۴/۱۲/۲ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

در خصوص [دادخواست] خانم زهرا مالکی به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی آذربایجان غربی (کمیسیون پزشکی) به خواسته ابطال نظریه کمیسیون پزشکی تجدیدنظر از حیث تاریخ با توجه به مفاد دادخواست تقدیمی و ضمائم آن و لایحه دفاعیه مشتکی عنه نظر به اینکه مطابق رأی وحدت رویه شماره ۷۹ - ۱۳۸۵/۱۲/۱۷ [۱۳۸۵/۲/۱۷] هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تعیین تاریخ بیماری از سوی کمیسیونهای پزشکی فاقد مجوز قانونی بوده بر این اساس شکایت شاکی وارد است مستنداً به مواد ۱۰ و ۱۱ و ۶۵ قانون دیوان عدالت اداری و رأی وحدت رویه فوق‌الذکر حکم به ورود شکایت و حذف تاریخ بیماری از نظریه کمیسیون پزشکی و برقراری مستمری از کارافتادگی از زمان تشکیل کمیسیون پزشکی صادر و اعلام می‌گردد. این رأی ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در شعب تجدیدنظر دیوان عدالت اداری می‌باشد.

رأی مذکور به موجب رأی شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۵۵۵۰۱۹۱۹ - ۱۳۹۵/۶/۱۰ شعبه ۵ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

د: شعبه ۲۹ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۳۰۹۹۸۰۹۰۲۹۰۰۵۲۲ با موضوع دادخواست آقای علی‌اکبر عنبرستانی به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی و به خواسته اعتراض و نقض رأی کمیسیون پزشکی به موجب دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۹۰۲۹۰۰۲۴۵ - ۱۳۹۴/۲/۵ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

خواسته شاکی به شرح دادخواست تقدیمی علیه سازمان تأمین اجتماعی اعتراض به نظریه کمیسیون پزشکی که شروع بیماری منجر به کارافتادگی کلی وی را به علت عارضه بیماری تاریخ ۱۳۸۰/۹/۱۸ اعلام نموده تا به علت شرط فقدان ۹۰ روز سابقه پرداخت حق بیمه ظرف یک سال آخر قبل از وقوع بیماری منجر به از کار افتادگی کلی محروم از برقراری مستمری از کار افتادگی کلی شده بود که حسب رأی وحدت رویه شماره ۷۹ - ۱۳۸۵/۱۲/۱۷ [۱۳۸۵/۲/۱۷] که کمیسیون را در خصوص تاریخ تشخیص شروع بیماری را صالح ندانسته لذا شکایت وارد تشخیص و مستنداً به مواد ۱۰ و ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ حکم به ورود شکایت و طرح در کمیسیون مربوطه صادر می‌شود. رأی صادره ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در شعب تجدیدنظر دیوان می‌باشد.

رأی مذکور به موجب رأی شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۵۵۶۰۱۲۷۵ - ۱۳۹۵/۴/۲۳ شعبه ۶ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری تأیید شده است.

ه: شعبه ۴۷ بدوی دیوان عدالت اداری در رسیدگی به پرونده شماره ۹۱۰۹۹۸۰۹۰۰۰۲۰۰۵ با موضوع دادخواست آقای سیدماندنی دانیالی به طرفیت اداره کل تأمین اجتماعی و به خواسته اعتراض به رأی کمیسیون پزشکی به موجب دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۲۵۰۱۶۱۰ - ۱۳۹۱/۵/۱۵ به شرح زیر رأی صادر کرده است:

نظر به اینکه بر اساس مفاد دادنامه شماره ۷۹ - ۱۳۸۵/۳/۱۷ [۱۳۸۵/۲/۱۷] هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تعیین تاریخ شروع بیماری منجر به از کارافتادگی خارج از حیطه

می‌فرماید شورای شهر مذکور با استفاده از خلاء قانونی و نظارتی، دقیقاً هر سال همان عوارضی که مورد ابطال قرار می‌گیرد را مجدداً وضع و برقرار کرده و تا این مصوبه در دیوان ابطال شود نسبت به وصول آن از طریق کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری‌ها و اجرای ثبت اقدام می‌نماید. لذا چنانچه مصوبات از زمان تصویب ابطال و بلا اثر نشوند متخلف از آراء هیأت عمومی، هر ساله به هدف خود که وصول عوارض غیر قانونی است، رسیده است. لذا تقاضای ابطال مصوبات را از زمان تصویب داریم.

ب - مغایرت مصوبات شورای اسلامی شهر با آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری:
۱- شرکت‌های نفت سیاهان، خطوط لوله و مخابرات نفتی ایران و پخش فرآورده‌های نفتی قبلاً هر یک طی درخواست‌هایی ابطال مصوبات شورای شهر شاهین‌شهر در خصوص عوارض محل فعالیت فعالان اقتصادی را خواستار شده‌اند که هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به لحاظ مشابهت موضوع طی دادنامه واحد به شماره‌های ۴۱۹ الی ۴۹۳ - ۱۳۹۶/۵/۲۴ با استناد به ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده و بند الف ماده ۳۸ همان قانون، وضع عوارض محل فعالیت فعالان اقتصادی را خارج از حدود اختیارات شورای اسلامی شاهین‌شهر اعلام نمودند که متن کامل رأی جهت استحضار به پیوست ایفاد شده است.

۲- عوارض محل فعالیت فعالان اقتصادی مورد مطالبه از شرکت پالایش نفت اصفهان (پالایشگاه اصفهان) به جهت فعالیت شرکت مذکور در سطح ملی، عوارض محلی محسوب نشده و طبق قانون مالیات بر ارزش افزوده شوراها از وضع عوارض ملی ممنوع‌اند و در نتیجه شوراها شهر تنها صلاحیت وضع عوارض محلی را با رعایت قوانین دارند و در مورد شرکت‌هایی که دامنه فعالیت آنها ملی است، صلاحیت وضع عوارض ندارند و این معنا طی دادنامه شماره ۲۴۵ - ۱۳۹۵/۴/۱ صادره در پرونده کلاسه ۱۰۳۳/۹۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص عوارض استقرار شعب بانکها که مورد مشابه می‌باشد، صراحتاً مورد تعیین تکلیف قرار گرفته است و هیأت عمومی دیوان عدالت در رأی خود، وضع عوارض محل استقرار شعب بانکها را با این استدلال که فعالیت بانک ملی است نه محلی، مردود دانسته و ابطال نموده‌اند.

شرکت پالایش نفت اصفهان نیز فعالیتش در سطح ملی است و ۲۵ درصد سوخت کل کشور شامل سوخت‌های اصلی نظیر بنزین، گازوئیل، نفت سفید، مازوت، ال پی جی و سوخت‌های هوایی در انواع مختلف را تولید و تأمین می‌کند و محصولات این شرکت در ۱۳ استان کشور عرضه می‌شود. بنابراین مصوبات مذکور از این حیث نیز با همان استدلالی که در خصوص عوارض استقرار بانکها به عمل آمده است، باطل است چرا که در جای جای قانون مالیات بر ارزش افزوده از جمله ماده ۳۸ و تبصره‌های ذیل آن، به طور خاص برای اشخاص حقوقی ملی، نظیر پالایشگاه‌ها تعیین تکلیف ویژه شده و وصول عوارض محلی از آنها منع شده است.

ج - مغایرت مصوبات شورای اسلامی شاهین‌شهر با قوانین و مقررات:

۱- مطابق اصل ۵۱ قانون اساسی و عموم و اطلاق این اصل «هیچ نوع مالیاتی وضع نمی‌شود مگر به حکم قانون» که البته مشروعیت قوانین نیز باید به حکم اصل ۴ همین قانون به تصویب شورای نگهبان برسد. پس وضع هرگونه مالیات که عوارض نیز یکی از انواع آن است، مجوز قانونی لازم دارد. از طرفی ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده در مقام تنقیح قوانین سابق (ماقبل خود)؛ وضع هرگونه عوارض و مالیات به جز مواردی که در آن قانون ذکر شده است را ممنوع اعلام کرده است. پس قاعده اولیه منع است و جواز وضع عوارض توسط شوراها شهر از جمله تبصره ۱ ماده ۵۱ قانون مالیات بر ارزش افزوده، چهره‌ای کاملاً استثنایی و خلاف قاعده دارد که باید بر قدر متیقن از آن اکتفاء شود؛ زیرا از دیدگاه فقها در مخالفت با اصل باید بر موضع یقین یا نص اکتفاء شود «یقتصر فیما خالف الاصل علی موضع الوفاق (او الیقین)» بنابراین وضع عوارض تنها با مجوز قانونی و در محدود مقررات موضوعه که در فرازهای آتی خواهد آمد، امکان پذیر است.

۲- طبق ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰ که در قانون توسعه پنجم نیز تنفیذ و تکرار شده است، اخذ هرگونه وجه کالا و خدمات توسط دستگاه‌های اجرایی و عمومی به تجویز قانونگذار موکول شده است. بنابراین اخذ عوارض محل فعالیت فعالان اقتصادی مغایر حکم قانونگذار است.

۳- مطابق ماده ۷۷ قانون شوراها اسلامی و ماده ۳۸ قانون مالیات بر ارزش افزوده که در رأی مورد اشاره هیأت عمومی دیوان عدالت اداری هم مورد استناد قرار گرفته است و همچنین مطابق بند ج ماده ۱۷۴ قانون برنامه پنجم توسعه و ماده ۱۴ آیین‌نامه نحوه وصول عوارض صراحتاً شهرداریها را مکلف کرده است که درآمدهای خود را بر عوارض نسبت به تولیدات و خدمات استوار و متمرکز ساخته و عوارضی

اداری نقض شود در اجراء ماده ۶۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری موضوع جهت رسیدگی با رعایت مفاد رأی دیوان به همان کمیسیون واگذار می‌شود و مراحل رسیدگی مطابق ماده ۶۳ قانون یاد شده قابل رسیدگی خواهد بود. به دلایل مذکور آراء صادر شده به شرح مندرج در گردش کار که کمیسیونهای پزشکی را واجد صلاحیت برای تعیین تاریخ ابتلا به بیماری دانسته و اعتراض به تصمیمات کمیسیونهای مذکور از حیث تعیین تاریخ ابتلا به بیماری را در صلاحیت شعبه دیوان عدالت اداری تلقی کرده و موضوع را در اجرای ماده ۶۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری قابل رسیدگی دانسته‌اند صحیح و موافق مقررات تشخیص شد. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۲ و ماده ۸۹ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ برای شعب دیوان عدالت اداری و سایر مراجع اداری مربوط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است. رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

شماره ۹۶۰۱۵۰۸

۱۳۹۸/۵/۹

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۷۹۸ مورخ ۱۳۹۸/۴/۲۵ با موضوع: «ابطال تعرفه شماره‌های ۶۰۱ - ۱۳۹۵، ۶۰۲ - ۱۳۹۵ و ۶۰۳ - ۱۳۹۵ از تعرفه عوارض سال ۱۳۹۵ شورای اسلامی شهر شاهین‌شهر» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۴/۲۵ شماره دادنامه: ۷۹۸ شماره پرونده: ۱۵۰۸/۹۶

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: شرکت پالایش نفت اصفهان با وکالت خانم فرشته احمدی‌نیا و حسین همت کار

موضوع شکایت و خواسته: ابطال تعرفه شماره‌های ۶۰۱ - ۱۳۹۵، ۶۰۲ - ۱۳۹۵ و

۶۰۳ - ۱۳۹۵ از تعرفه عوارض سال ۱۳۹۵ شورای اسلامی شهر شاهین‌شهر

گردش کار: آقای حسین همت کار و خانم فرشته احمدی‌نیا به وکالت از شرکت

پالایش نفت اصفهان به موجب دادخواستی ابطال تعرفه شماره‌های ۶۰۱ - ۱۳۹۵،

۶۰۲ - ۱۳۹۵ و ۶۰۳ - ۱۳۹۵ از تعرفه عوارض سال ۱۳۹۵ شورای اسلامی شهر شاهین‌شهر

در خصوص عوارض محل فعالیت فعالان اقتصادی و عوارض حق بهره‌برداری و افتتاحیه

محل فعالیت فعالان اقتصادی و غیر مشمول قانون نظام صنفی تولیدی - صنعتی واقع در

محدوده و حریم مصوب شهر را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده‌اند که:

«با سلام و احترام

به استناد مادتين ۸۲ و ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری

درخواست طرح در هیأت عمومی و رسیدگی خارج از نوبت به موضوع شکایت، در هیأت

عمومی دیوان را به خاطر مسبوق به سابقه ابطال بودن مصوبات مورد درخواست ابطال

طی دادنامه‌های استنادی را داریم.

الف - گردش کار و شرح موقوف:

شورای اسلامی شهر شاهین‌شهر در سالهای ۱۳۹۰ و ۱۳۹۳ مبادرت به وضع عوارضی

تحت عنوان فعالیت فعالان اقتصادی غیر مشمول قانون نظام صنفی به شماره‌های ۲۵۰۱،

۲۵۰۳، T۵۰۳ و T۵۰۱ نموده بود و به طور غیرقانونی نسبت به وصول این عوارض از

شرکت‌های مختلف از جمله شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران، شرکت نفت

سپاهان، شرکت پخش فرآورده‌های نفتی ایران و شرکت پالایش نفت اصفهان (موکل) و

غیره اقدام می‌نمود تا اینکه اخیراً و طی دادنامه‌های ۴۹۱ الی ۴۹۳ مورخ ۱۳۹۶/۵/۲۴

هیأت عمومی دیوان این عوارض ابطال گردید لیکن شورای شهر مذکور به انگیزه درآمدزایی،

علی‌رغم ابطال این گونه مصوبات با بی‌توجهی کامل نسبت به آراء هیأت عمومی دیوان

عدالت اداری که در مورد همان موضوع صادر شده است مجدداً همان عوارض محل

فعالیت فعالان اقتصادی غیرمشمول قانون نظام صنفی را برای سال ۱۳۹۵ نیز با همان نام

و عنوان و در قالب تعرفه‌های شماره ۶۰۱ - ۱۳۹۵، ۶۰۲ - ۱۳۹۵ و ۶۰۳ - ۱۳۹۵ وضع

نموده و مراتب را طی برگ تشخیص مورخ ۱۳۹۶/۱/۱۶ به دلخواه و بر حسب مساحت‌های

غیرواقعی و مفروض خود مورد محاسبه قرار داده و آن را طی نامه شماره ۸۸۰/۹۶ ص -

۱۳۹۶/۱/۲۶ به شرکت پالایش نفت اصفهان جهت پرداخت ابلاغ کرده است. ملاحظه

اختصاص می‌یابد و همچنین وضع عوارض بر درآمد ناشی از معادن، منابع و طرحهای ملی برعهده سایر مراجع که در قوانین و مقررات مربوط تعیین شده یا می‌شوند، خواهد بود. این تبصره به طور واضح تحت هر شرایطی شرکتهایی نظیر شرکت پالایش نفت اصفهان را که محصولاتش در کل کشور عرضه می‌شود از شمول عوارض محلی خارج ساخته است. ولو اینکه در حال حاضر قوانین ملی در این مورد وضع نشده باشد و درآینده وضع شود. عبارات تبصره نشان می‌دهد که واضع آیین‌نامه هیأت وزیران نخواست است تحت هیچ شرایطی شرکتهای ملی تابع عوارض محلی قرار گیرند و هدف از این آیین‌نامه نیز به دلالت تبصره ذیل ماده ۵ آن، هماهنگ کردن نظام وصول عوارض در سراسر کشور است نه اینکه شورای شهر شاهین‌شهر در کل کشور به مثابه تافته جدا بافته عمل کند و از هر طریقی برای خود ممر درآمد غیرقانونی ایجاد کند.

بنا به مراتب فوق مصوبات شورای شهر شاهین‌شهر در خصوص عوارض محل فعالیت فعالان اقتصادی مغایر با قوانین و مقررات آمره بوده و به همین جهت هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شرح پیش گفته آن را ابطال کرده‌اند که تقاضای ابطال مصوبات تکرار شده در سال ۱۳۹۵ را به شرح مرقوم در ستون خواسته از زمان تصویب آنها داریم.»

متن تعرفه‌های مورد اعتراض به قرار زیر است:

تعرفه شماره ۶۰۱ - ۱۳۹۵ شهرداری شاهین‌شهر:

شماره ابلاغ مصوبه:	شهررداری شاهین‌شهر	تعرفه ۶۰۱ - ۱۳۹۵
تاریخ ابلاغ مصوبه:		
موضوع تعرفه: عوارض محل فعالیت فعالان اقتصادی (غیر مشمول قانون نظام صنفی) تولیدی یا صنعتی واقع در محدوده و حریم مصوب شهر - سالانه		
معادله محاسبه عوارض:		
$T = (M1 \times X1 \times 2A) + (M2 \times X2 \times A)$		
توضیحات محاسبه عوارض:		
۱- کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی، سازمانهای عمومی، دولتی و غیر دولتی واقع در محدوده و حریم مصوب شهر (اعم از مستقر در منطقه صنعتی، قطب صنعتی، مستقل و ...) که غیر مشمول قانون نظام صنفی بوده و فعالیت آنها تولیدی یا صنعتی می‌باشد، فارغ از نوع فعالیت (اعم از اینکه فعالیت آنها تولید کالا و یا خدمات خاص به صورت تولیدی، کارمزدی، اجرای خدمات و ... باشد) و فارغ از محل فعالیت و فارغ از زمان تأسیس و راه اندازی مشمول عوارض این تعرفه بوده و موظف به پرداخت عوارض این تعرفه بر اساس نوع فعالیت به حساب شهرداری می‌باشند.		
۲- منظور از M1 مترائ کل اعیان محل فعالیت شامل کلیه مستحقات تولیدی، صنعتی، تأسیساتی، انبار (سرپوشیده یا سرپاز)، مخزن (به متر مکعب)، استخر و آبگیر (به متر مکعب) و ... به غیر از مسجد، نماز خانه و پارکینگ می‌باشد.		
۳- منظور از M2 مترائ کل عرصه ملک به صورت پیوسته یا گسسته شامل محلهای صنعتی، تولیدی، آزاد، انبارهای روباز، فضای سبز و ... مربوط به واحد ذیربط که در حریم شهر وجود دارد می‌باشد.		
۴- X1, X2 ضرایب محاسبه عوارض واحد ذیربط که از ردیف مربوط نوع فعالیت (تعرفه ۶۰۳ - ۱۳۹۵) استخراج می‌گردد می‌باشند. در ضمن در تعیین این ضرایب مترائ کل اعیان (M1) و مترائ کل عرصه (M2) و نوع فعالیت واحد مربوطه دخیل بوده و ضرایب مورد نظر بر اساس ردیفی که نوع فعالیت و ستونی که مترائ کل اعیان (برای ضریب X1) و ستونی که مترائ کل عرصه (برای ضریب X2) واحد مورد نظر در آن قرار دارد استخراج خواهد شد. این ضرایب محاسبه عوارض واحد ذیربط در صورتی که مترائ اعیان تا ۱۰۰۰ مترمربع باشد از ستون b1 و در صورتی که مترائ اعیان ۱۰۰۰ مترمربع و بیشتر باشد از ستون b2 (یکی از دو ستون b1 و b2) و در صورتیکه مترائ عرصه تا ۱۰۰۰۰ مترمربع باشد از ستون b3 و در صورتی که مترائ عرصه ۱۰۰۰۰ مترمربع و بیشتر باشد از ستون b4 (یکی از دو ستون b3 و b4) و ردیفی که نوع فعالیت واحد مربوطه در آن قرار دارد (در تعرفه ۶۰۳ - ۱۳۹۵) به دست خواهد آمد. ضمناً نوع فعالیت عنوان شده در این بند عبارت از هر نوع شاخصه‌ای که محل فعالیت واحد ذیربط با آن شناخته می‌شود و شامل نوع فعالیت، نام، نوع تولیدات و سایر موارد فارغ از اینکه واحد ذیربط یکی یا چند یا تمام شاخه‌های مربوط به آن شاخصه را تولید، به صورت کارمزدی عمل، به صورت خدمات اجرا و ... نماید خواهد بود.		
۵- منظور از A ضریب مندرج در تعرفه ۱۰۳ - ۱۳۹۵ بدون شرایط عمق قیمت منطقه‌بندی آن می‌باشد.		
۶- این عوارض در ابتدای هر سال تحقق پیدا کرده و قابل وصول و پیگیری می‌باشد و کلیه اشخاص ذیربط برای واحدهای خود موظف به واریز آن از زمان تحقق به حساب شهرداری می‌باشند و به ازای هر ماه واریز زودتر قبل از پایان سال تحقق عوارض مشمول ۲ درصد کاهش به عنوان جایزه خوش حسابی خواهند بود این عوارض تا یک ماه بعد از سال تحقق بدون کاهش یا افزایش وصول خواهد شد و پس از گذشت این یک ماه به ازای هر تا یک ماه واریز دیرتر، به میزان ۲ درصد عوارض آن سال افزایش خواهد یافت. ضمناً در صورتی که واحد ذیربط کمتر از یکسال فعالیت داشته باشد، عوارض این تعرفه بر مبنای تعداد ماه‌های فعالیت محاسبه و اخذ خواهد شد.		
۷- پرداخت این عوارض با مجوزهای مورد نیاز که اشخاص می‌بایستی در هنگام شروع به فعالیت از مراجع ذیصلاح دریافت نمایند ارتباطی نخواهد داشت.		
۸- دریافت عوارض این تعرفه مانع از دریافت سایر عوارض قانونی نخواهد بود.		
۹- در صورتی که فعال اقتصادی (حقیقی و حقوقی) در محلی فعالیت داشته باشد بایستی عوارض این تعرفه را به حساب شهرداری واریز نماید و مالک یا مالکین (حقیقی و حقوقی) موظف به دریافت مفصاحساب شهرداری از وی (مبنی بر پرداخت عوارض این تعرفه به حساب شهرداری) می‌باشند و در صورت عدم دریافت بایستی عوارض این تعرفه را از منابع مالی خود پرداخت نمایند.		

نسبت به سرمایه‌های ثابت و اموال غیرمنقول وضع و وصول ننمایند. بنابراین مصوبات شورای شهر شاهین‌شهر که هم عوارض مربوط به کالاها و هم عوارض مربوط به ساختمان از قبیل عوارض صدور پروانه و تمدید و ... را مطالبه و وصول می‌کند و هم اینکه از شرکت پالایش نفت اصفهان نیز معادل ۵۶ میلیارد تومان عوارض، فقط جهت تمدید پروانه مطالبه کرده است که مستند آن به پیوست ایفاد می‌گردد غیر قانونی بوده و دفاعیات شورای شهر در پرونده‌های موضوع تصمیم در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مبنی بر عدم وصول عوارض صدور و تمدید پروانه در اجرای ماده ۱۷۴ قانون برنامه پنجم توسعه کذب محض است.

۴- به موجب بند خ ماده ۱۴ آیین‌نامه اجرایی نحوه وصول عوارض، وصول عوارض به نحو مضاعف ممنوع است؛ حال آن که مطالبه عوارض محل فعالیت اقتصادی مضاف بر سایر عوارض مربوط به ساختمان و محل استقرار واحد اقتصادی نظیر عوارض صدور پروانه، عوارض تمدید پروانه، عوارض سطح، عوارض پذیره، عوارض نوسازی، عوارض پسماند که در مورد اعیان و ساختمانها می‌باشد؛ وصول می‌گردد که متضمن وصول عوارض به نحو مضاعف با یک تغییر نام ساده است در حالی که تغییر نام عوارض بر اموال غیرمنقول نباید موجب دور زدن قوانین و تحمیل عوارض موازی بر شهروندان شود با کمی دقت معلوم می‌شود که فرمول محاسبه عوارض محل فعالیت فعالان اقتصادی ابداعی شورای شهر شاهین شهر از دو پارامتر اصلی مساحت زیر بنای واحد اقتصادی و نوع شغل ترکیب یافته است در حالی که عوارض محل استقرار واحد اقتصادی تحت عناوین فوق‌الاشاره پرداخت می‌شود و عوارض درآمد هم تحت عنوان مالیات و عوارض آلاینده طبق ماده ۳۸ قانون مالیات بر ارزش افزوده و سایر قوانین مالیاتی وصول می‌گردد و به تصریح و تاکید ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده برای این موارد تعیین هرگونه مالیات و عوارض ممنوع است چرا که نحوه وصول مالیات پالایشگاهها در قانون صراحتاً بیان شده است. خصوصاً اینکه عوارض آلاینده موضوع تبصره ماده ۳۸ قانون مالیات بر ارزش افزوده را نیز شهرداری شاهین‌شهر دریافت می‌کند.

۵ - برخلاف مالیات که در فرهنگ دهخدا از آن به عنوان باج و خراج یاد شده و ما بازاء و عوض ندارد؛ پرداخت عوارض همواره باید در عوض کالا یا خدمتی صورت گیرد و این کالا یا خدمت مستقیماً به پرداخت‌کننده عوارض تسلیم شده و از آن منتفع و برخوردار می‌شود؛ این معنا یعنی تقابل عوارض با ارائه خدمت از سوی هیأت عمومی دیوان عدالت مورد تایید قرار گرفته و آن هیأت طی دادنامه شماره ۳۱ حکم به لزوم ارائه خدمات در برابر اخذ عوارض داده‌اند ضمن اینکه اساساً استفاده از این خدمات نیز اجباری نیست و هرکس بخواهد از خدمات مذکور استفاده کند عوارض متعلقه را نیز می‌پردازد. فی المثل کسی که قصد تجدید بنا داشت عوارض پروانه یا تمدید را می‌پردازد یا کسی که اتومبیل داشت، عوارض اتومبیل را پرداخت می‌کند ولی کسی که از این امکانات استفاده نمی‌کند یا برخوردار نمی‌شود، عوارضی هم نمی‌پردازد. در ما نحن فیه شهرداری یا شورای شهر هیچگونه خدمتی یا عوضی در قبال عوض مورد مطالبه انجام نمی‌دهند.

۶ - شرکت پالایش نفت اصفهان خارج از محدوده شهر شاهین‌شهر و در حریم آن شهر قرار دارد و به موجب ماده ۳۰ آیین‌نامه اجرایی نحوه وضع و وصول عوارض مصوب ۱۳۷۸/۷/۷ که براساس قانون تشکیلات و انتخابات شورای شهر مصوب ۱۳۷۵ تصویب شده و هنوز توسط دیوان عدالت اداری ابطال یا به وسیله مقررات لاحق نسخ نشده است؛ شهرداریها حق وصول عوارض در حریم شهرها را ندارند و شورای شهر نیز حق وضع عوارض برای حریم شهرها را که خدمتی در آنها ارائه نمی‌دهند، ندارد.

۷- در راستای بند ج ماده ۱۷۴ قانون برنامه پنجم توسعه و ماده ۷۷ قانون شورای اسلامی و ماده ۳۸ قانون مالیات بر ارزش افزوده، در ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی نحوه وضع و وصول عوارض توسط شورای اسلامی شهر نیز صراحتاً قید گردیده است که عوارض به درآمد تعلق می‌گیرد و چنانچه فروش ملی باشد، مشمول عوارض محلی قرار نمی‌گیرد.

در همین راستا تبصره ذیل ماده ۲ آن آیین‌نامه با صراحت بیشتری راجع به وضعیت شرکت پالایش نفت اصفهان که محصولاتش به سایر نقاط کشور ارسال می‌شود، تعیین تکلیف نموده و آنها را تابع قوانین خاص که وضع شده یا می‌شوند دانسته است و مقرر داشته وضع عوارض جدید بر تولیداتی که برای عرضه در سایر نقاط یا برای صادرات

تعرفه شماره ۶۰۲ - ۱۳۹۵ شهرداری شاهین شهر:

شماره ابلاغ مصوبه:	شهرداری شاهین شهر	تعرفه ۶۰۲ - ۱۳۹۵
تاریخ ابلاغ مصوبه:		
موضوع تعرفه: عوارض (حق بهره برداری، افتتاحیه) محل فعالیت فعالان اقتصادی (غیر مشمول قانون نظام صنفی) تولیدی یا صنعتی واقع در محدوده و حریم مصوب شهر		
معادله محاسبه عوارض:		
۳ برابر عوارض سالانه تعرفه ۶۰۱ - ۱۳۹۵ در زمان یوم‌الاداء این تعرفه بر اساس نوع فعالیت = T		
توضیحات محاسبه عوارض:		
۱- کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی، سازمانهای عمومی، دولتی و غیر دولتی واقع در محدوده و حریم مصوب شهر (اعم از مستقر در منطقه صنعتی، قطب صنعتی، مستقل و ...) که غیر مشمول قانون نظام صنفی بوده و فعالیت آنها تولیدی یا صنعتی می‌باشد، فارغ از نوع فعالیت (اعم از اینکه فعالیت آنها تولید کالا و یا خدمات خاص به صورت تولیدی، کارمزدی، اجرای خدمات و ... باشد) و فارغ از محل فعالیت موظف به پرداخت عوارض این تعرفه بر اساس نوع فعالیت به حساب شهرداری می‌باشند.		
۲- در صورت تغییر نوع فعالیت، این عوارض بر مبنای ۲ برابر عوارض زمان یوم‌الاداء بر اساس نوع فعالیت جدید نیز اخذ خواهد شد.		
۳- پرداخت این عوارض با مجوزهای مورد نیاز که اشخاص می‌بایستی در هنگام شروع به فعالیت از مراجع ذیصلاح دریافت نمایند ارتباطی نخواهد داشت.		
۴- دریافت عوارض این تعرفه مانع از دریافت سایر عوارض قانونی نخواهد بود.		
۵- در صورتی که واحدی کمتر از ۶ (شش) ماه فعالیت داشته و محل فعالیت خود را تعطیل دائم نماید، عوارض این تعرفه به میزان ۱/۳ برای آن محاسبه و مابه‌التفاوت مبالغ پرداختی فقط این تعرفه قابل تهاتر با سایر عوارض واحد مربوطه و یا استرداد خواهد بود.		
۶- در صورتی که فعال اقتصادی - (حقیقی و حقوقی) در محلی فعالیت داشته باشد بایستی عوارض این تعرفه را به حساب شهرداری واریز نماید و مالک یا مالکین (حقیقی و حقوقی) موظف به دریافت مقاصحاسب شهرداری از وی (مبنی بر پرداخت عوارض این تعرفه به حساب شهرداری) می‌باشند و در صورت عدم دریافت بایستی عوارض این تعرفه را از منابع مالی خود پرداخت نمایند.		

تعرفه شماره ۶۰۳ - ۱۳۹۵ شهرداری شاهین شهر:

شماره ابلاغ مصوبه:	شهرداری شاهین شهر	تعرفه ۶۰۳ - ۱۳۹۵			
تاریخ ابلاغ مصوبه:					
موضوع تعرفه: ضرایب محاسبه (X _۱ و X _۲) نوع فعالیت محل فعالیت فعالان اقتصادی (غیر مشمول نظام صنفی) تولیدی یا صنعتی واقع در محدوده و حریم مصوب شهر (لیست ششم)					
تعرفه نوع فعالیت: به شرح جدول زیر می‌باشد:					
ردیف	نوع فعالیت	ستون b _۱	ستون b _۲	ستون b _۳	ستون b _۴
۱۰۱	برق (تولید)	٪۶۱/۸	٪۵۷/۲	٪۵۸/۸	٪۴۸/۸
۱۰۲	بالابر (انواع)	٪۶۱/۱	٪۴۱/۸	٪۵	٪۳۱/۸
۱۰۳	بسته‌بندی (صنایع)	٪۶۱/۱	٪۴۱/۸	٪۵	٪۳۱/۸
۱۰۴	بوفه و درآور	٪۶	٪۴۱/۵	٪۴۱/۸	٪۳۱/۶
۱۰۵	برزنت (انواع)	٪۶	٪۴۱/۵	٪۴۱/۸	٪۳۱/۶
۱۰۶	بلوک سفالی	٪۶۳/۳	٪۵۱/۱	٪۵۲/۲	٪۴
۱۰۷	بلورسازان (شیشه و بلور)	٪۶۳/۳	٪۵۱/۱	٪۵۲/۲	٪۴
۱۰۸	بلور و چینی	٪۶۳/۳	٪۵۱/۱	٪۵۲/۲	٪۴
۱۰۹	بیسکویت و کیک (انواع)	٪۵	٪۴۱/۵	٪۴۱/۸	٪۳۱/۶
۱۱۰	بذر (انواع)	٪۶	٪۴۱/۵	٪۴۱/۸	٪۳۱/۶
۱۱۱	پیچ و مهره (انواع)	٪۶۱/۱	٪۴۱/۸	٪۵	٪۳۱/۸
۱۱۲	پتروشیمی‌ها	٪۶۱/۸	٪۵۷/۲	٪۵۸/۸	٪۴۱/۸
۱۱۳	پالایشگاه‌ها	٪۶۱/۸	٪۵۷/۲	٪۵۸/۸	٪۴۱/۸
۱۱۴	پی وی سی	٪۶۳/۳	٪۵۱/۱	٪۵۲/۲	٪۴
۱۱۵	پلی اتیلن	٪۶۳/۳	٪۵۱/۱	٪۵۲/۲	٪۴
۱۱۶	پوشال کولر	٪۶	٪۴۱/۵	٪۴۱/۸	٪۳۱/۶
۱۱۷	پلاستیک سازان	٪۶۱/۱	٪۴۱/۸	٪۵	٪۳۱/۸
۱۱۸	پنکه (انواع)	٪۶۱/۱	٪۴۱/۸	٪۵	٪۳۱/۸
۱۱۹	پشم شیشه	٪۶	٪۴۱/۵	٪۴۱/۸	٪۳۱/۶
۱۲۰	پرورش انواع حیوانات	٪۶۱/۱	٪۴۱/۸	٪۵	٪۳۱/۸

رسیدگی به موضوع از جمله مصادیق حکم ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ تشخیص نشد.

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی شاهین شهر به موجب لایحه شماره ۶۸/ش - ۱۳۹۷/۲/۳ توضیح داده است که:

«به: قضات معزز و محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

از: شورای اسلامی شهر شاهین شهر

موضوع: شماره کلاس پرونده ۱۵۰۸/۹۶

با سلام

پس از حمد خدا و درود و صلوات بر محمد و آل محمد (ص)

احتراماً بازگشت به پرونده شماره ۱۲۲۶-۱۳۹۵/۱۲/۳۱-۹۶۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۱۲۲۶ در خصوص

شکایت شرکت پالایش نفت اصفهان به طرفیت شورای اسلامی شهر شاهین شهر به خواسته

ابطال تعرفه‌های شماره ۶۰۱ - ۱۳۹۵، ۶۰۲ - ۱۳۹۵ و ۶۰۳ - ۱۳۹۵ موضوع عوارض محل

فعالیت فعالان اقتصادی تولیدی یا صنعتی (غیر مشمول قانون نظام صنفی) و همچنین

عوارض بهره‌برداری و ... بدین وسیله مطالب و موارد ذیل‌الذکر را در مقام دفاع به جهت

رد ادعاهای واهی و بی‌اساس آن شرکت به استحضار می‌رساند:

در پاسخ به بند الف گردش کار و شرح مآل‌خواست شاکی که اظهار می‌دارد:

شورای اسلامی شاهین شهر بدون توجه به آراء صادره از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

از جمله دادنامه‌های ۴۹۱ الی ۴۹۳ - ۱۳۹۵/۵/۲۴ با انگیزه درآمدزایی اقدام به وضع عوارض

در همان موضوع آراء صادره برای سال ۱۳۹۵ برحسب مساحت‌های غیرواقعی و مفروض

می‌نماید بیان می‌دارد:

۱- با عنایت به تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده شوراهای اسلامی شهر

مکلف هستند در صورت وضع عوارض حداکثر تا پانزدهم بهمن ماه هر سال برای اجرا

در سال بعد تعرفه‌های مورد نظر خود را تصویب و با رعایت تبصره ۱ همان ماده اعلام

عمومی نمایند یعنی چنان که شورای اسلامی شهر برای سال ۱۳۹۵ وضع عوارض نماید

می‌باید حسب مراتب فوق‌الذکر تا پانزدهم بهمن ماه سال ۱۳۹۴ برای تعرفه مورد تصویب

جری تشریفات قانونی را رعایت نماید این در حالی است که زمان صدور دادنامه‌های ۴۹۱

الی ۴۹۳ - ۱۳۹۵/۵/۲۴ بوده لذا همان گونه که ملاحظه می‌فرمایید اظهارات آن شرکت

مبنی بر بی‌توجهی این شورا به آراء صادره از سوی آن هیأت کذب محض و با هدف فریب

ذهن قضات معزز آن هیأت می‌باشد و شاکی به تقدم و تأخر مصوبه شورای اسلامی شهر و

رأی هیأت عمومی عنایت نکرده است.

ب: همان گونه که مستحضر می‌باشید این شورا در مقام برقراری و تصویب تعرفه‌های

عوارض محلی می‌باشد نه در مقام اجرا یعنی صرفاً مبادرت به وضع تعرفه می‌نماید لیکن

شهرداری در مقام مجری مستند به تعرفه‌های این شورا اقدام به محاسبه و مطالبه عوارض

می‌نماید، لذا در صورت محاسبه عوارض براساس مساحت‌های غیر واقعی و مفروض آن

شرکت می‌توانسته در چارچوب قوانین و مقررات حاکم از جمله ماده ۷۷ قانون شهرداریها

به موضوع اعتراض و درخواست رسیدگی در کمیسیون ماده ۷۷ را نماید در صورتی که

آن شرکت بدون هرگونه اعتراض طی نامه شماره پ ن الف/۰۰۰/۸۴۱۴ - ۱۳۹۶/۲/۹

تقاضای پرداخت عوارض را کرده است.

۲- تعرفه‌های مورد ابطال در دادنامه‌های ۴۹۱ الی ۴۹۳ - ۱۳۹۶/۵/۲۴ مربوط به

سالهای ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ می‌باشد که به لحاظ ذات و ماهیت با تعرفه مصوب سال ۱۳۹۴

جهت اجرا در سال ۱۳۹۵ تفاوت فاحش دارد چرا که در صورت مشابهت با تعرفه‌های

قبل وزارت کشور به عنوان ناظر منبعث از تبصره ۴ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده

از تصویب تعرفه‌های مضاعف و مشابه ممانعت به عمل می‌آورد.

۳- با توجه به برگ مطالبه عوارض صادره مورخ ۱۳۹۶/۱/۱۶ اساساً عوارض مورد

مطالبه وفق ردیف ۱۱۳ تعرفه ۶۰۳ - ۱۳۹۵ و ۶۰۱ - ۱۳۹۵ بوده نه تعرفه مقید در ستون

موضوع شکایت و خواسته (شماره ۶۰۲ - ۱۳۹۵)

چرا که آن شماره سرفصل کلی تعرفه است که دارای زیرمجموعه‌های متعددی

می‌باشد. لازم به ذکر در مواردی مشابه که درخواست ابطال تعرفه این شورا از آن

هیأت شده صرفاً ردیف مربوطه که موضوع شکایت و خواسته بوده ابطال شده است نه

به صورت کلی.

در پاسخ به بند ب دادخواست شاکی به تفکیک مطالب ذیل را معروض می‌دارد:

۱- در خصوص ادعای ابطال عوارض مشابه توسط آن هیأت طی دادنامه‌های ۴۱۹

الی ۴۹۳ - ۱۳۹۶/۵/۲۴ بدین وسیله به استحضار می‌رساند همان گونه که ذکر آن در

۱- احداث معابر و شوارع و تنظیف بازسازی و آسفالت آن ۲- توسعه، حفظ و نگهداری فضای سبز، بخش اعظمی از بودجه خود را به آن اختصاص می‌دهند برای مثال این شهرداری جهت ایجاد کمربند فضای سبز در مجاورت شرکت و یا همچنین احداث فضای سبز نسبت به خرید ۳۵۰ هکتار زمین از سازمان مسکن و شهرسازی جهت رفع آلاینده‌گی نموده که هزینه نگهداری و حفظ آن فضا خود هزینه‌های گزافی را به شهرداری تحمیل می‌نماید لذا همان گونه که مستحضر می‌باشید به یقین خدمات عمومی ارائه شده که از محل دیگر درآمدهای شهرداری به این مراکز اختصاص داده شده با عوارض مورد مطالبه سخت‌نشدته چرا که در سال ۱۳۹۵ صرفاً حسب برگ تشخیص مبلغ حدود چهار میلیارد ریال مطالبه شده است بنابراین خدمات عمومی اصولاً به صورت مستقیم ممکن است ارائه نشود ولیکن به خاطر اینکه شاکی یا دیگر اشخاص عارضه‌ای برای شهر ایجاد می‌نمایند که اثر آن باعث کاهش دارایی شهرداری است و جهت جبران آن از طریق احداث خیابان، بلوار، کمربند فضای سبز اقدام می‌شود. لذا تأمین دلیل شماره ۱۲۹/۹۴ - ۱۳۹۴/۵/۲۶ که دلالت بر هزینه‌های انجام شده توسط شهرداری در محل استقرار شرکت است جهت رد ادعای اینکه شهرداری یا شورای اسلامی شهر هیچ گونه خدمتی یا عوضی در قبال مطالبه آن عوارض ارائه نمی‌نماید تقدیم حضور می‌شود.

۵ - مطابق تبصره ۵ ماده ۳ قانون تعاریف محدوده و حریم شهر مصوب سال ۱۳۸۴ شورای اسلامی در هر محدوده و حریمی که شهرداری عوارض دریافت می‌نماید مکلف به ارائه خدمات می‌باشد و با توجه به اینکه مرجع وضع عوارض شورای اسلامی شهرها می‌باشند شورای شهر مجاز به برقراری و وضع عوارض با رعایت سایر قوانین و مقررات در حریم می‌باشد مضافاً اینکه توجه قضات معزز را به این نکته معطوف می‌دارد که آیین‌نامه ذکر شده قدرت مقابله با قانون را ندارد چرا که آیین‌نامه توسط هیأت وزیران تصویب شده ولی قانون توسط مجلس شورای اسلامی و تاریخ تصویب آیین‌نامه مورخ ۱۳۷۸/۸/۷ و تاریخ تصویب قانون مذکور ۱۳۸۴/۱۰/۱۴ می‌باشد که قانون مذکور نسبت به آیین‌نامه موخرالتصویب و ارجح است.

۶ - در خصوص استناد به تبصره ذیل ماده ۲ آیین‌نامه وضع وصول عوارض که به شرح دادنامه ۳۶۱ - ۱۳۸۲/۹/۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تبصره فوق‌الذکر به دلیل مغایرت با قانون و خروج از وظایف هیأت وزیران ابطال گردیده و امر باطل و فاسد اثر حقوقی مترتب نمی‌گردد و استناد به آیین‌نامه ابطلی بلاوجه و غیر قابل استناد و استماع می‌باشد ضمن اینکه وضع و برقراری عوارض به مأخذ درآمدهای شرکت همان گونه که ذکر آن در بندهای فوق رفت مغایر ماده ۵۰ و ۵۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده می‌باشد لذا این شورا اساساً نمی‌تواند حسب مراتب یاد شده بر محصولات و درآمد اشخاص عوارض برقرار نماید. در پایان با عنایت به مراتب معنونه فوق درخواست رد ادعای واهی و بی‌اساس شاکی مورد استدعاست.»

رسیدگی به موضوع از جمله مصادیق حکم ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ تشخیص نشد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۸۹/۴/۲۵ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با عنایت به اینکه طبق ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷، برقراری هرگونه عوارض و سایر وجوه برای انواع کالاهای وارداتی و تولید و همچنین ارائه خدمات که در این قانون، تعیین تکلیف مالیات و عوارض آنها معین شده، ممنوع اعلام شده و در بند (الف) ماده ۳۸ همین قانون نوع عوارض معین شده است و با توجه به آراء متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله رأی ۴۹۱ الی ۴۹۳ - ۱۳۹۶/۵/۲۴ تعرفه‌های شماره ۶۰۱ - ۱۳۹۵، ۶۰۲ - ۱۳۹۵ و ۶۰۳ - ۱۳۹۵ تحت عنوان عوارض محل فعالیت فعالان اقتصادی، عوارض حق بهره‌برداری و افتتاحیه محل فعالیت فعالان اقتصادی و غیر مشمول نظام صنفی تولیدی و صنعتی واقع در محدوده و حریم مصوب، مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات قانونی است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمد کاظم بهرامی

بندهای فوق رفت تعرفه‌های مذکور به لحاظ ذات و ماهیت تفاوت فاحش با تعرفه‌های مورد اشاره در دادخواست شاکی دارد.

۲- در خصوص وصف ملی بودن آن شرکت لازم به ذکر است که اولاً: دلیل و مستندی در قوانین دال بر ملی بودن آن شرکت ارائه نشده است. ثانیاً: وصف ملی بودن برای شعب بانکها با در نظر گرفتن نحوه و چگونگی اداره آنها با فعالیت شرکت شاکی متفاوت می‌باشد لذا تمسک به ملی بودن بانکها جهت معافیت از پرداخت عوارض برای آن شرکت سالبه به انتفاء موضوع می‌باشد.

در پاسخ به بند ج دادخواست شاکی به تفکیک دفاعیات ذیل به استحضار می‌رساند:

۱- این شورا با امعان به ماده ۵۱ قانون اساسی و همچنین به استناد بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و اختیارات شوراهای اسلامی با لحاظ تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده مبادرت به وضع و برقراری تعرفه با رعایت دیگر قوانین و مقررات کرده است.

۲- در پاسخ به بند ۲ نیز بیان می‌دارد نظر به اینکه جری تشریفات قانونی و اختیارات وضع و برقراری عوارض به شرح بند یک توضیح داده شده بنابراین رعایت ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۸۰ نیز شده است.

۳- در پاسخ به بند ۳ نیز شایان توجه است اولاً: ماده ۷۷ قانون تشکیلات و اختیارات شورای اسلامی شهر با توجه به تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده منسوخ شده است کما اینکه در ماده مارالذکر نیز شورای اسلامی شهر را مخیر در وضع عوارض برای درآمدها و تولیدات کرده است و این امر خود اقرار به پذیرش عوارض و تناقض با خواسته شاکی دارد و اما در مورد ماده ۱۷۴ قانون برنامه پنجم نیز در مقام ارشاد و نه الزام شوراها را جهت وضع درآمدهای پایدار تا پایان برنامه پنجم دلالت کرده است.

ثانیاً: با عنایت به ماده ۱ قانون موسوم به تجمیع عوارض مصوب سال ۱۳۸۱ برقراری و دریافت هرگونه وجوه اعم از مالیات و عوارض از ابتدای سال ۱۳۸۲ بر اساس آن قانون و از ابتدای اجرایی شدن قانون مالیات بر ارزش افزوده بوده لذا آیین‌نامه مورد اشاره شاکی نسخ شده است. ثالثاً: از آنجا که شهرداریها خدمات متعددی را ارائه می‌نمایند بنابراین عوارض و بهای خدمات متنوعی را با عناوین مختلف ممکن است دریافت نمایند که در پرونده مطروحه شاکی به عبارت عوارض صدور پروانه و تمدید اکتفا نموده در حالی که همان گونه که مستحضرید عوارض صدور پروانه مشمول کدهای مختلفی است که هر یک بنا به فلسفه و منطق خاص خود وضع شده است و اما در خصوص عوارض نوسازی نیز اساساً به دلیل اینکه آن شرکت در حریم شهر واقع شده است به استناد قانون نوسازی و عمران شهری از پرداخت آن عوارض معاف بوده و اگر مدعی پرداخت می‌باشند می‌باید دلایل و مستندات خود را ارائه نمایند و در مورد پسماند نیز با توجه به قانون مدیریت خدمات پسماند از آنجا که آن شرکت خود مبادرت به جمع‌آوری و حمل و دفع پسماندهای عادی و صنعتی می‌نماید وجهی از بابت آن از سوی شهرداری مطالبه نمی‌شود. رابعاً: با استناد به ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده که برقراری عوارض به درآمدهای مأخذ محاسبه مالیات سود سهام اوراق مشارکت، سود سپرده‌گذاری و ... توسط شورای اسلامی شهر را ممنوع نموده شوراهای اسلامی شهر مجاز به وضع تعرفه به مأخذ درآمدهای آن شرکت نمی‌باشد لذا ماهیت و منطق تعرفه ۶۰۳/۱۳ - ۱۳۹۵ متوجه درآمدهای شرکت نبوده و صرفاً به لحاظ استفاده از خدمات عمومی از سوی شهرداری شاهین شهر توسط آن شرکت وضع گردیده که از مجموع پارامترهای عرصه و اعیان و همچنین قیمت منطقه‌ای در هنگام تدوین استفاده شده است. خامساً: عوارض آلاینده‌گی وفق برنامه پنجم و اخیراً برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران بر اساس شاخص جمعیت و متأثر از آلاینده‌گی بین چند شهرستان از جمله شاهین شهر و میمه شهرستان اصفهان و خمینی شهر توزیع می‌گردد.

۴- در صورت تقسیم‌بندی خدمات ارائه شده از سوی شهرداریها به خدمات عمومی و خدمات خصوصی قابل توجه است که هر یک از اهالی و ساکنین شهر با توجه به درخواستهای مختلف و متعدد می‌باید هزینه آن را جدای از سایر هزینه‌های شهرداری پرداخت نمایند. برای مثال چنانچه شخصی متقاضی جمع‌آوری و حمل و دفع زباله و پسماند خود باشد می‌باید هزینه آن را مطابق قانون مدیریت خدمات پسماند پرداخت نماید و همچنین متقاضیان درخواست صدور پروانه و یا به مانند خدمات تدفین متوفی در هنگام خاکسپاری و غیره در مقابل آن خدمات عمومی قرار دارد که شهرداریها با توجه به وظایف ذاتی خود از جمله